

سال دوم دوره دوم

# رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

یکشنبه ۱۸ خرداد ۵۹ شماره ۶۱ تکمیل ۱۰ ریال

در بیانیه نهائی کنفرانس بین‌المللی تهران:

## رفاه کارگران شرط اساسی مبارزه علیه دوا بر قدرت است

وزیر کار و امور اجتماعی در راس هیاتی برای شرکت در کنفرانس سازمان بین‌المللی کار به ژنو رفته است. در این کنفرانس، وزیر کار از سوی موضع جمهوری اسلامی را علیه دوا بر قدرت تشریح نمود و از سوی دیگر درباره وضع کارگران و شرایط کار در ایران و تغییرات حاصله در این زمینه پس از انقلاب، به تفصیل

سخن گفت. پس از سالهای سیاه حکومت ننگین پهلوی که طی آن اشرف خواهر فاسد شاه مخلوع، وزراء و وکلای درباری تریبون ایران را در اینگونه کنفرانس‌ها و سمینارهای بین‌المللی اشغال می‌نمودند، اینک بهین انقلاب، برای دومین بار نمایندگان جمهوری اسلامی ایران در

جلسات سازمان بین‌المللی کار شرکت می‌ورزند. در این کنفرانس، طبق گزارشات خبری، وزیر کار قاطعانه از موضع جمهوری اسلامی علیه دوا بر قدرت دفاع کرده، تجاوز امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی را به فلسطین و افغانستان شدیداً محکوم بقیه در صفحه ۶

در این شماره

ابتدال معیار انقلابی  
به سبک "مجاهد"  
صفحه ۴

گزارشی از محله خزانه  
در جنوب شهر  
صفحه ۶

گزارشی از یک  
صنعتگر ایرانی  
صفحه ۳

برگزاری کنفرانس بین‌المللی بررسی مداخلات  
آمریکا در ایران  
ونشت کمیته ویژه رسیدگی به بحران افغانستان

## پرچم نه آمریکا نه روسیه همچنان برافراشته باد

تا اقدام نظامی اخیر علیه ایران محکوم شد و حق ملت ایران در باز پس گرفتن شاه مخلوع و اموال بسرقت رفته توسط او و ایادی اش را به

هفته گذشته تهران پایتخت "نه شرقی، نه غربی" جهان سوم بود. از یکسو کنفرانس بین‌المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران با

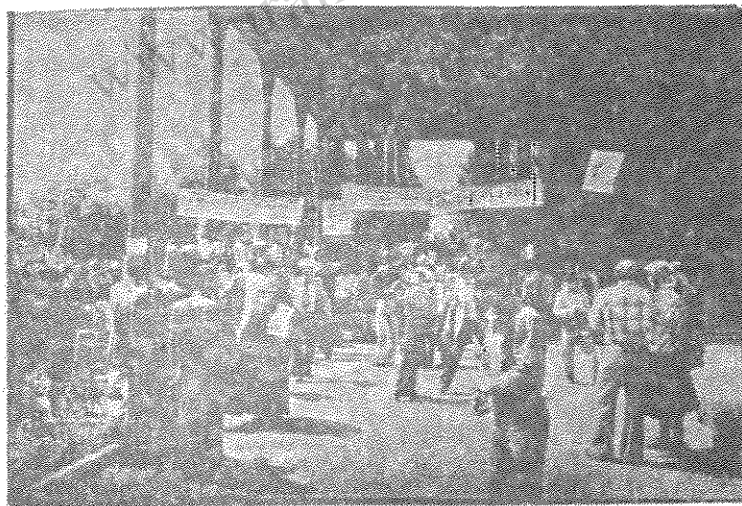
## جنايات و تجاوزات امپریالیسم آمریکا

### محکوم شد

سازمانهای سیاسی، اتحادیه های کارگری، انجمنها و شخصیتهای حقوقی، سازمان های طرفدار صلح و

حقوق بشرو نیز تعدادی نماینده از طرف دولت های جهان، با موافقت برگزار گردید. هیئت های شرکت کننده اکثراً از کشورهای جهان سوم و تعدادی نیز از کشورهای اروپایی بقیه در صفحه ۲

کنفرانس بین‌المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران از ۱۲ تا ۱۵ خرداد در هتل استقلال تهران و با شرکت بیش از ۱۰۰ نماینده جنبش های رهایی بخش جهان، احزاب و



نمایندگان کنفرانس در اصفهان (عکس از خبرنگار رنجبر)

## از گندم کاران داخلی حمایت کنید!

با نرخ خرید ۱۸ ریال، دهقانان به افزایش

تولید گندم تشویق نخواهند شد!

## شایعه ی بلوا در خدمت کیست؟

پس از تجاوز نافرجام آمریکا به خاک ایران و شکست مفتضحانه ی هیأت نظامی کارتر در کویر لوت، آمریکا و شوروی و عمالشان تلاش دارند که بگ نکته را ثابت کنند: آمریکا دست از توطئه های خود علیه ایران برنداشته و همچنان برای نجات گروگانها هر اقدامی را که لازم بداند انجام خواهد داد. صدای گارتسراژ رادیو مسکو پخش میشود و صدای آمریکا و صدای رادیو مسکو در برنامه های فارسی خود به اشکال مختلف این مسئله را بازگو میکنند. بقیه رادیوهای ضد انقلاب ایران هم به زبان های دیگر و تحت نام توده ها، توطئه ی قریب الوقوع را نوید میدهند. روس نامه ی مردم ارگان دار و دسته کیانوری هم در چند هفته گذشته روزی نیست که در رابطه با این توطئه های در حال اجرا! عنوان بزرگی رابه چاپ نرند.

حال این سوال مطرح میشود چرا این سیاستمداران ابر قدرتی یکی در غرب و یکی در شرق، هر دو روی این مسئله می گویند. آیا هدف مشترکی را دنبال می کنند؟ یا هدف ایشان مختلف است. هر از سلسله، مشتک دارند

دین می نهد، یا سبب یا سبب است. در پاسخ به این سوال چند نکته را یادآور می شویم: کارتر بخاطر شکست ناچار خود در دنبال کردن سیاست با اصطلاح "خشن" نسبت به ایران میخواید عمل جنایتکارانه خود را توجیه کند و به راهی دهندگان آمریکائی چنین القا نماید که ایران تنها زبان زور و توطئه را می فهمد و راه دیگری موجود نیست. بهمین خاطر هم هرروز بر فشار خود بر متحدین اروپائی اش می افزاید تا محاصره ی اقتصادی ایران را تکمیل کنند و ایران را تهدید به محاصره دریائی ویا حتی حمله نظامی می کند.

انقلاب گرایش به آمریکا تمام شده و میشود. روس ها هنگامیکه هنوز جریان ضد انقلاب طرفدار امیرالایم آمریکا، بر اثر ضربه مهلکی که توسط انقلاب خورد، در کجی بسر میبرد، نقش موثری در ایجاد تفرقه ها و اخلاص ها بعد از انقلاب داشته اند. بهترین نمونه ایجاد هرج و مرج بزرگ در کردستان ایران و بوجود آوردن بازوی مسلح حزب توده در این سرزمین است. نمونه دوم آن عملکرد سازمان چریکهای فدائی خلق است که از همانروز پس از انقلاب رهبری غاصب آن دقیقاً روی خط روس ها نقش هرج و مرج ساز و مخرب را بازی میکرد، نمونه های بازم بیشتر موجود است. هر قدر هرج و مرج بیشتر، شوروی و عمال آن در حزب توده برای رخنه در دستگاه های اداری و نظامی شرایط مساعدتر می یابند. و امروز ما میبینیم در کلیه سطوح حداقل عنصری را کاشته اند حال در هر جانی زیر نقاب خاصی. با شکل گیری ضد انقلاب متمایل به آمریکا سازماندهی پارهای از مسائل تدارکی و کاشتن بعضی افراد در دستگاه های اداری و نظامی در مرحله دیگر در استراتژی روس ها در کشور ما آغاز شده است. این مرحله، مرحله ای ایجاد "جبهه متحد خلق" از طریق انشعاب در نیروهای اسلامی، نیروهای ملی و چپ می باشد. مضمون این جبهه متحد همانا مبارزه ای "ضد آمریکائی و دوستی با شوروی است. در این مرحله روسها تلاش خواهند کرد تا به حاکمین مایا جناح های از حاکمین این مسئله را القا کنند که آمریکا و ضد انقلاب متمایل به آن بر قدرت است و به طور همه جانبه در حال تدارک برای برانداختن رژیم جمهوری اسلامی و بخاطر نجات انقلاب ایران یک راه باقی است. دوستی با شوروی، انکاء به نیروی آن و ایجاد "جبهه متحد خلق".

حال می توانیم درک کنیم چرا دستگاه های تبلیغاتی کارتر و روس ها، ضد انقلاب متمایل به آمریکا و حزب توده همه در بزرگ جلوه دادن توطئه های کارتر هم صدا شده اند.

اما منافع ضد انقلاب متمایل به آمریکا چرا با روس ها و کارتر تطابق دارد و چرا آنها هم با اینها هم صدا شده اند. ضد انقلاب آمریکائی که در ماه های اخیر بر فعالیت خود افزوده است با بزرگ جلوه دادن نیروهای خود و فعالیت های امیرالایم آمریکا در حقیقت در این چند هفته چنین جلوه داده است که دست از یاس و ناامیدی باید برداشت، زیرا آمریکا ارباب بزرگ پشت ضد انقلاب ایستاده و حتی حاضر است دست به کودتا زند.

حال میتوان فهمید که چرا صدای آمریکا و نیروهای ضد انقلاب، روسنامه مردم همه و همه در دو هفته گذشته دست به یک تبلیغات وسیع تشویش زا زدند، ۱۵ خرداد را روز قتل عام، روز برخاستن ضد انقلاب، روز کودتا و..... نامیدند. همه آنها در این شایعه سازی منفعتی داشته و بی شک سهمی هم بردند. با اینکه نیروهای انقلاب علیه این شایعه پراکنی ها مبارزه نمودند و امام خمینی و رئیس جمهور بوقوع تذکراتی دادند ولی در مجموع دامنه شایعه گسترش یافته بود. هر دو جناح یک هدف مشخص تری را هم دنبال مینمودند. از شرکت مردم در یاد بود پانزدهم خرداد تا حد ممکن جلوگیری - حزب توده علناً با ایجاد تشویش و اعلام اینکه توطئه ای در کار است شرکت در پانزدهم خرداد را تحریم کرد.

باید کلیه نیروهای استقلال طلب بویژه زحمتکش و کارگران، دهقانان هوشیاری خود را از وضع جدید و نقش جدید ابر قدرت ها بالا برند، با بسا فشاری روی مشی استقلال طلبانه جمهوری اسلامی نه شرقی، نه غربی، سرگ بر آمریکا، مرگ بر شوروی، کوتاه باد دست عمالشان! توطئه ها را همانند گذشته در هم شکنند. در دو هفته گذشته دستگاه های تبلیغاتی و دیپلماتی شوروی در ایران فعال تر شده است، روزی نیست که این عناصر کا.ک.ب با شخصیتی از کشور ما دیدار نکنند. استاندار گیلان را می بینند، دکتر بزدی را ملاقات میکنند، سری به وزارتخانه می زنند، دعوتی از فلان شخصیت به شام در فلان سفارتخانه می نمایند، بلیت سفری به مسکو به در خانه فلان نویسنده روانه می دارند و..... همه و همه برای خوردن است! برای خوردن شخصیت های استقلال طلب ما دیگر قابل خوردن نیستند. استخوانند و بی شک گلوئی تزارهای نوین را خواهند گرفت.

گندم سال جاری از سوی سازمان مرکزی تعاون روستائی خطاب به سازمانهای تابعه این سازمان در سراسر کشور صادر شد. بر طبق این دستورالعمل، "باتوجه به میزان سطح زیر کشت و برآورد میزان تولید برقرار هرتن ۴/۵۰۰ ریال به گندمکاران مساعدته داده میشود". همچنین با تاعیسی یکهزار مرکز خرید، مازاد گندم کشاورزان از قرار تنی ۱۸ هزار ریال خریداری خواهد شد!

دستورالعمل سازمان مرکزی تعاون روستائی بر سرگندمکاران منت گذاشته است که اینکار را به خاطر "تشویق کشاورزان به افزایش تولید گندم و مواد غذایی مورد احتیاج کشور" و همچنین "قطع دست سلف خزان" انجام میدهد!

واعتیت چیست؟ آیا این دستورالعمل، کشاورزان را به افزایش تولید گندم تشویق خواهد کرد؟ ویا بعکس، آنها را دلسرد کرده و از کشت گندم و مواد غذایی که در این مرحله حساس برای کشورما جنبه حیاتی دارد، رویگردان خواهد ساخت؟

دستورالعمل خرید مازاد گندم در زمانی صادر میشود که دولت گندم خارجی را به قیمت هرتن ۴۰ هزار ریال وارد کشور میکند و کیلویی ۲۰ ریال در بازار بفروش میرساند و تفاوت قیمت

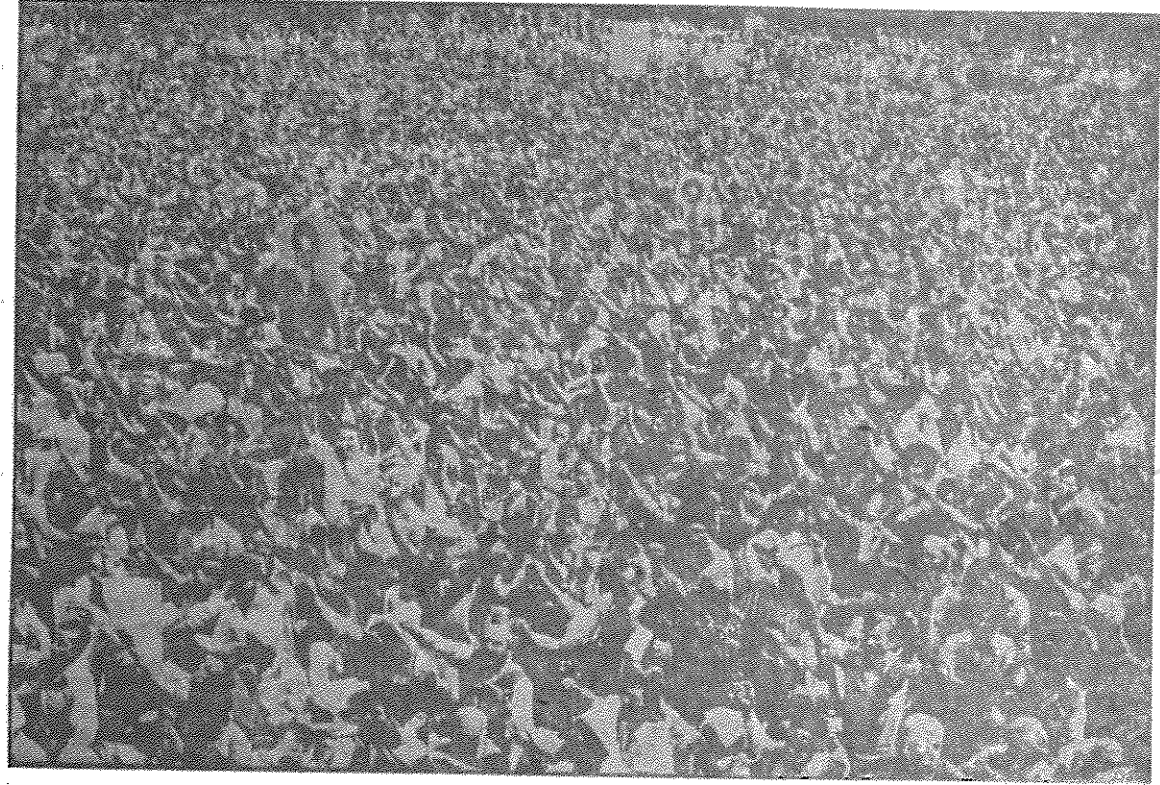
## برای انجام انقلاب فرهنگی دانشگاه ها باید باز بمانند

مسئله انقلاب فرهنگی بسته شدن دانشگاهها به مدت نامعلوم از مسائلی است که در جامعه جنجالها و بحثهای فراوانی را برانگیخته است و هرروز خبرهایی از سمینارهای انقلاب فرهنگی جلسات بحث و مشاوره و سخنرانیهای مختلف در این باره بگوش میرسد. آنطور که از این سخنرانیات برمی آید تعدادی از مسئولین امور موافق تعطیل ها تا برنامهریزی جدید هستند. ظاهراً بنظر میرسد که بسته شدن دانشگاهها برای طرح و تدوین برنامه جدید دانشگاهها، در جهت انقلاب اسلامی و دبیشدن آن است. در صورتیکه این عمل نه تنها کمی به حل مشکلات اساسی جامعه نمیکند بقیه در صفحه ۶

پارا را (کیلویی ۲۰ ریال) تحت عنوان سایید از صندوق دولت و در واقع بدفع مصرف کننده شهری بپیروازد! این سیاست، سیاستی است که در زمان رژیم وابسته سابق با هدف نابود کردن کشاورزی کشور و خانه خرابی و سینه روزی دهقانان زحمتکش

بقیه در صفحه ۵

# فیضیه، دانشگاه پیروز است آمریکا، شوروی نابود است



اجتماع عظیم مردم در دانشگاه تهران روز ۱۵ خرداد (عکس از خبرنگار رنجبر)

۱۱ مسیر، راهبیمایی آغاز شد و با تجمع در دانشگاه تهران به نقطه اوج خود رسید. در مسیرهای بقیه در صفحه ۲

وسعت برای ادامه مبارزه بخاطر استقلال، آزادی و رفاه توده های مردم متحد شوند. در تهران بنا برقرار قبلی از

هفدهمین سالگرد ۱۵ خرداد ۴۲ بنا به دعوت شورای انقلاب و سایر شرکت تعداد کثیری از مردم سراسر ایران برگزار شد. مردم با صفوف متحد و منظم با شرکت در تظاهرات ۱۵ خرداد بار دیگر با امام خمینی رهبر انقلاب عهد بستند تا بر حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی که نطفه های آن در این روز خونین بسته شد پافشاری کرده و هر چه

## گزارش مجلس

در صفحه ۶



### اعلامیه حزب رنجبران ایران (بخش خوزستان - اهواز)

## توطئه‌های دشمنان انقلاب اسلامی را خنثی کنیم

دادستانی محترم... احتراماً به استحضار میرساند در شرایطی که در روند شکوهمند انقلاب اسلامی ایران ابرقدرت‌های شرق تجاوزگر و غرب جنایتکار و عمال داخلی شان در اشکال گوناگون تجاوز نظامی، اخلال، توطئه و هرج و مرج می‌آفرینند. در شرایطی که عمال رژیم فاشیستی بعث عراق در میهنمان و بویژه در خوزستان بمب می‌گذارند، ترور و اخلال میکنند. در روزهاشکبه به سالروز وقایع خرمشهر نزدیک میشویم، زمانی که میرویم تا طبق رهنمود امام خمینی شاهد تشکیل مجلس شورای ملی در جهت حاکمیت دولت و تحکیم رئیس جمهور منتخب ملت بدور از فرقه‌گرایی باشیم. در چنین اوضاعی موارد زیر از ایجاد ضرب و جرح و حمله در مورد طرفداران دفتر علنی مانجام گرفته است:

- ۱- جاقوکی و حمله بطرفداران مادرش در حین چسباندن تراکت اول ماهه توسط ۱۱ نفر سرشنین دو اتومبیل زیان و تویوتای بدون شماره،
- ۲- ایراد ضرب و جرح دوتن از طرفداران مادر خیابان نادری هنگام فروش نشریه رنجبران صاحب امتیاز حزب رنجبران ایران
- ۳- حمله به چند دهه روزنامه فروشی و جمع آوری مجله تئوریک ما.
- ۴- حمله و ایراد ضرب و جرح توسط ۴ سرشنین اتومبیل بیگان بدون شماره در میدان مصدق (چهارشیر سابق) به یکی از طرفداران ما و ایراد کردن ۲۲ نشریه رنجبران.

حمله به پخش کنندگان اعلامیه در خیابان شریعتی. عم حمله به دفتر نشریه رنجبران اهواز دوشنبه شب از ساعت ۲۰/۳۰ تا ۲۳. اینها مواردی است که در طی ۴ روز گذشته و شب اول ماهه بر ما گذشت است. سؤال ما از دادستانی محترم و ارگانهای اجرایی این است که علیرغم تأکیدات رهبر کبیر انقلاب و ریاست جمهوری مبنی بر تأمین ثبات و آرامش حفظ آزادیهای فردی و سیاسی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چه مرجعی پاسخگوی هرج و مرج طلیان رنگارنگ کهنه دولت نه قانون اساسی و نه ارگان اجرایی می‌شناسد میباید. مگر نه اینکه نهادهای انقلاب مشخص میکنند کدام نیرو در چارچوب جمهوری اسلامی ایران جزواستقلال طلبان و دیگری ستون پنجم و جاسوسی شرق یا غرب میباید؟ ما از مسئولین امور میطلبیم در شرایط حساس کنونی که میهن ما عرصه تجاوزات ابرقدرت‌های آمریکا و روسیه و اخلال ستون پنجم هایشان، بقایای رژیم مغفور و مخلوع شاه ویاند کیانوری در حزب توده، میباید جهت خنثی نمودن توطئه‌های دشمنان انقلاب اسلامی و سوء استفاده هرج و مرج طلیان سرپنا عمل نماید و اجازه ندهند در امر خطی استقلال آزادی و عدالت اجتماعی که وثیقه آن خون هزاران شهید و معلول میباید سنگ اندازند. بجاست که در اینجا از همکاری‌های صمیمانه سپاه پاسداران و شهربان‌های جمهوری اسلامی اهواز در شب حمله به دفتر، و دادستانی اهواز در بررسی شکایات قبلی ما صمیمانه تشکر نمایم. برقرار باد اتحاد بزرگ ملی از سه جریان تاریخی اسلام مبارز، ملی گرایی مترقی و سوسیالیسم انقلابی پیروز باد انقلاب اسلامی ایران در مستحکم ضد امپریالیست‌های شرق و غرب پایدار باد مفاصل خلق استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

### جانیات و...

بودند. در طول سه روز برگزاری کنفرانس هیئتهای نمایندگی پشتیبانی خود از انقلاب اسلامی ایران برهبری امام خمینی را از دیدگاه‌های گوناگون اعلام کردند و طی سخنرانیهای متعدد مداخلات و تجاوزات اخیر امپریالیسم آمریکا در ایران را بشدت محکوم کرده، استرداد شاه خائن و اموال ملت را خواستار شدند و علیه تحریم اقتصادی ایران موضعگیری نمودند. شرکت کنندگان در کنفرانس در روز ۱۴ خرداد بحضور رهبر انقلاب رسیدند و در مراسم یادبود پانزدهم خرداد در اصفهان نیز شرکت کردند. این کنفرانس در پایان روز پنجشنبه پانزدهم خرداد با صدور بیانیه ۱۱ ماده‌ای بکار خود خاتمه داد. سخنان نمایندگان در کنفرانس پس از ختم مراسم افتتاحیه که با پیام امام و نطق رئیس جمهور برگزار شد اولین جلسه کنفرانس بریاست صادق قطب زاده و هیئت مرکب از چند کشور مختلف و دبیرگلی احمد سلامتیان تشکیل شد.

ابتدا چندین سخنران از ایران اطلاعات و مدارک فراوان مداخلات امریکادرایران درسی سال اخیر را در زمینه‌های گوناگون اقتصادی - سیاسی - نظامی - فرهنگی - جاسوسی - اجتماعی و غیره به شرکت کنندگان در کنفرانس ارائه دادند و نمایشگاهی از عکس و اسلاید نیز در زمینه‌های فوق برگزار گردید. سپس سخنرانان متعددی از کشورها، سازمانها، احزاب و انجمنهای کشورهای مختلف شرکت کننده در طول سه روز برگزاری کنفرانس نطقهایی در پشتیبانی و ابراز همبستگی با انقلاب مردم ایران در محکوم نمودن مداخلات و تجاوزات امپریالیسم آمریکا و در حمایت از خواست بحق مردم ایران مبنی بر استرداد شاه خائن و اموالش ایراد کردند. بعلت کثرت تعداد سخنرانان تنها به گوشه‌هایی از سخنان برخی از نمایندگان اشاره میشود.

آقای ایلساز از یوگسلاوی (نایب رئیس کنفرانس) ضمن پشتیبانی قاطع از انقلاب اسلامی ایران و رهبری امام خمینی اظهار داشت من از کشوری می‌ایم که خود در انقلابش ۱۷۰۰۰۰۰ نفر را از دست داده است و از اینرو ما بویگسلاوی‌ها انقلاب شما را می‌ستایم و یادگار این مطلب که تمامی دول و حکومتها باید رعایت احترام مطلق نسبت با اصول استقلال ملی و حق حاکمیت و تمامیت ارضی دیگران را

خارجی باید به رسمیت شناخته شود آقای ایلساز وجه مشخصه انقلاب ایران را موفق بودن آن بدون هیچ گونه کمک خارجی ذکر کرد و ضمن ستودن ایده‌های آزادی خواهانه و استقلال طلبانه دکتر مصدق نقش فعال ایران را در جنبش غیرمتعهدها ستود.

نماینده حزب جمهوری ترکیه نیز در نطق خود پشتیبانی ملت ترکیه را از انقلاب ایران اعلام کرد و بر لزوم اتحاد همه نیروهای منطقه خاورمیانه بمنظور جلوگیری از دخالت ابرقدرتها تأکید نمود.

هیئت نمایندگی سری لانکا در پیامی که به کنفرانس ارائه داد مداخله در امور داخلی کشورها را فقط محدود بایران ندانست و گفت همانطوریکه امریکادرایران دخالت کرده و می‌کند نیروهای روسیه نیز در امور داخلی افغانستان دخالت دارند که باعث بروز رنجها و خونریزیهای بی‌شمار شده است. او در پایان نطق خود پیشنهاد تشکیل کمیسیون بین المللی در مورد حل مشکلات موجود بین روابط ایران و آمریکا را ارائه داد.

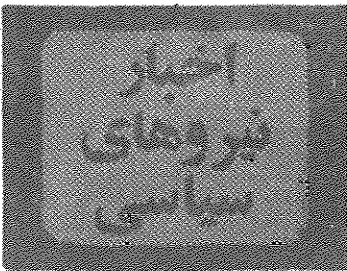
یکی دیگر از شرکت کنندگان در کنفرانس آقای اینگرا از حزب کمونیست ایتالیا بود که در قسمتی از سخنان خود ضمن محکوم ساختن دخالت‌های بی‌شمار امپریالیسم آمریکا در ایران و ابراز همبستگی کامل با انقلاب ایران علیه هر نوع تجاوز نظامی که استقلال و حاکمیت کشورها را نقض نماید موضعگیری نمود. او افزود که جهان تغییر کرده است و آینده جهان و ملت‌ها نمیتواند بوسیله ابرقدرتها تعیین گردد. صلح واقعی فقط بر مبنای استقلال، همکاری مشترک، سربندی برای ملت‌ها و شرکت نوده‌های وسیع حاصل میشود و باتوجه به این عقاید است که ما علناً به دخالت نظامی روسیه در افغانستان نیز انتقاد نموده‌ایم.

نماینده حزب سوسیال دمکرات سوئد نیز طی سخنانی به اهمیت کنفرانس اشاره کرد و افزود که این کنفرانس میتواند اطلاعات حقیقی در مورد مداخلات آمریکا در ایران را به غرب بدهد. او ضمن ستایش از مبارزه طولانی مردم ایران برای کسب آزادی و استقلال گفت که امروز قدرتهای بزرگ از مبارزات خلفیهای جهان خوشحال نیستند زیرا خلفا و ملل میخواهند راه خود را بروند. این نماینده همچنین گوشش در جهت منفرد ساختن ایران توسط اروپا را غلط دانست و به لزوم تقاض جامع بین المللی تأکید کرد.

تاریخی نیروهای استعمارگر خارجی در ایران یاد کردند و کشتار ۱۵ خرداد را بعنوان یکی از جنایت‌های رژیم وابسته شاه مخلوع ذکر نمودند. رهبران انقلاب در مورد نقش رسانه‌های گروهی خارج و داخل گفتند که تعداد زیادی از آن ها در خدمت ابرقدرتها هستند و بسر ضد ما اکاذیب پخش میکنند و اظهار امیدواری کردند که شرکت کنندگان در کنفرانس بتوانند مسایل ایران را آنطور که حقیقتاً وجود دارد به مسالک خودشان برسانند.

صبح روز بعد هیئت‌های نمایندگی برای شرکت در مراسم یاد بود ۱۵ خرداد، با مصافحان عزیمت کردند. در این مراسم میهمانان کنفرانس که با ابراز احساسات و تظاهرات پر شور صدها هزار نفر از مردم اصفهان مواجه شدند، شدیداً تحت تأثیر قرار گرفتند. مردم ضمن دادن شعارهایی در حمایت از رهبری انقلاب مداخلات آمریکا و شوروی و خیانت‌های شاه مخلوع را محکوم نمودند و بیدیتوسیله پیامهای خود را مستقیماً بگوش آنها رسانند. در این سفر آقای صلواتی نماینده مردم اصفهان در مجلس شورای ملی سخنانی در ساختمان استانداری خطاب به میهمانان ایراد کردند.

پایان کنفرانس و صدور بیانیه - پس از بازگشت هیئت‌ها به تهران و در پایان روز پنجشنبه، کنفرانس بین المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران با روحیهای سرشار از همبستگی که از جانب اکثریت شرکت کنندگان بویژه هیئت‌های جهان سوم ابراز میشد به کار خود پایان داد. اکثریت شرکت کنندگان برگزاری این کنفرانس را گامی بسیار مثبت و برجسته در جهت شناخت بیشتر از مسایل انقلاب اسلامی ایران و مداخلات امپریالیسم آمریکا در ایران، تبادل افکار فی مابین نیروهای شرکت کننده و بالاخره ایجاد همبستگی تنگاتنگ بین نیروهایی که علیه هرگونه دخالت و تجاوز بیگانه نبرد میکنند و برای برقراری صلح واقعی در جهان میکوشند ارزیابی کردند. محتوای کنفرانس در حقیقت نه تنها تبلور وحدت نیروهای مترقی جهان علیه دخالت‌های امپریالیسم آمریکا در ایران و در جهان بود بلکه به گواه اظهارات اکثریت شرکت کنندگان در کنفرانس، بیانگر اتحاد در محکوم ساختن هرگونه تجاوز و مداخله از جانب هر دو ابرقدرت آمریکا و شوروی نیز بود و حضور غیر فعال هیئت‌های نمایندگی روسی و طرفداران روسیه در واقع دال بر پیروزی نیروهای استقلال طلبان است.



### مقاومت در درون سازمان چریک‌های فدائی ادامه دارد

بدنبال پیوستن رسمی رهبری غاصب سازمان چریک‌ها، به جبهه روسیه، جریان مبارزه و مقاومت پایه‌های این سازمان علیه رهبری غاصب همچنان ادامه دارد. بطوریکه آنان مجبور شده‌اند اعضاء و هواداران راز درگیر شدن در مورد مسائلی که در دستور کار نیست منع کنند! آنطور که هواداران سازمان میگویند بخشی از رهبری سازمان چریک‌ها نیز در برابر این جریان ایستادگی نموده است. یکی از اعضاء قدیمی سازمان چریک‌ها که در عین حال گاندیدای سازمان برای نمایندگی در مجلس خبرگان و شورا بوده است، رهبری این جناح را برعهده دارد.

علیرغم دستور رهبری بروشنی دیده میشود که پایه‌های سازمان در مورد مسایل مختلف از جمله مواضع جدید رهبری وارد بحث میشوند.

### حقیقت

### و مسأله وحدت نیروها

حقیقت ارگان اتحادیه - کمیونتهای ایران شماره ۷۱، طی مقاله‌ای وحدت غیر اصولی نیروهای سیاسی را (که آنرا ناشی از سیاستهای لیبرال - سازشکارانه میدانند) محکوم کرده و میگوید:

ضروریات وحدت ضد امپریالیستی ملت ما حکم میکند که جبهه‌های براساس مرزبندی روشن و صریح یا دوستون اردوگاه امپریالیستی آمریکا و شوروی و عمال و هم دستان داخلی آنها و نه با عمال و هم‌دستان یکی بر علیه دیگری، به وجود آید.

اتحادیه کمیونتهای علیه پیکار

مرگ بر دوا بر قدرت جهانخواار و جنگ افروز آمریکا و روسیه و نوکران داخلی شان !  
مسئول دفتر نشریه رنجبر در اهواز  
۵۹/۳/۶

# اعلامیه حزب رنجبران ایران (بخش خراسان)

چگونه سازمان مجاهدین خلق با گرایش مدارا جویانه نسبت به ابرقدرت روسیه و عملش آنجا که باصطلاح قدرت در دست دارد خود انحصار طلب میشود؟!  
همشهریان مبارز،

در آستانه برگزاری بزرگداشت روز پرافتخار ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و روز ننگ برای ابرقدرت های شرق و غرب برنامه سخنرانی توسط حزب رنجبران ایران در دانشکده علوم تهیه و اعلام گردیده بود که در آخرین لحظات شورای دانشکده علوم وابسته به سازمان مجاهدین خلق از برگزاری برنامه مانعست و رزید و گرچه حزب رنجبران ایران برنامه را در محل دیگری برگزار نمود ولی اکنون ما ریشه های مسئله فوق را برای شما همشهریان مبارز میسکافیم ، تا روشن شود که این مدارا جویان چگونه در هرفرصت با باند کیانوری روس پرست هم آواز میگرددند .  
شورای دانشکده علوم " طبق قرار قبلی و بنا به اجازه کتبی خود آن شورا ، آملی تا تردان شده را در ساعت ۵ تا ۸ بعد از ظهر روز سه شنبه ۱۳ خرداد ماه در اختیار حزب رنجبران قرار داده بود که در ساعت برگزاری جلسه با دلایل کاملاً من درآوردی که ناشی از منطق گروهی شان است از برگزاری برنامه جلویگیری نمودند که در این رابطه به دونکته اشاره می نمائیم .  
اول اینکه ، طبق قرار اعلام شده بنا بود که سخنران حزب ضمن بررسی

روز تاریخی ۱۵ خرداد ۴۲ و نقش رهبری امام خمینی ، در مورد وحدت از دیدگاه حزب رنجبران ایران صحبت نموده ، در این رابطه نظرات مزدورمنشانه باند کیانوری و نظرات سازشکارانه به ابرقدرت های شرق و غرب و جب نماها و مسلمان نماها را افشاء نماید . در رابطه با این امر تمام نیروهای سازشکار به سردمداری عمال باند کیانوری از ترس اینکه میباید طشت رسوائیشان از بام فرو افتد ناشیانه و در آخرین لحظات توطئه های را سرهم بندی نموده و زیر پوشش به اصطلاح " حفظ امنیت دانشگاه " از برگزاری برنامه ما در دانشکده جلویگیری کردند و اما کیفیت که ندانند چه کسانی هستند که در واقع مخل نظم و امنیت و موافق هرج و مرج میباشند .

دوم اینکه ، اکنون که ستدهای عملیاتی گروهکهای انقیاد طلب روس و در راس همه آنها وابستگان به باند کیانوری از دانشکده ها برچیده شده و نیروهای استقلال طلب میروند تا اختیار امور را بنفع استقلال کشور و انجام انقلاب فرهنگی و آموزشی در این مراکز در دست گیرند سرسپردگان به مسکو به عبت میکوشند تا با توسل به شیوههایی نظیر تحریم سخنرانی های ضد امپریالیستی و ایجاد رعب و وحشت علیه استقلال طلبان مسلمان و کمونیست وارد عمل شده تا بخیال خود بتوانند در جهت خلاف استقرار حاکمیت خط ضد امپریالیستی نه شرقی ، نه غربی در دانشگاهها عمل کنند .

اما سخن و هشدار آخر ، ما اینبار بخاطر احترام به نفس شوراها و برای نشان دادن حسن نیت مان به نظر شورا احترام گذاشتیم ولی در اینجا صریحا اعلام میداریم که از این به بعد مسئولیت اینگونه خرابکاری ها با خود گروهکهای انقیاد طلب میباشد و بیامد اینگونه اخلاکگری ها بعهده آنهاست و ما بخاطر دفاع از حقوق دانشگاه و دانشجویان استقلال طلب و مومن به انقلاب اسلامی ایران در صورت تکرار چنین وقایعی پاسخ شایسته و دندانشکنی به این گونه گروهکهای انقیاد طلب خواهیم داد .

مرگ بر دوا بر قدرت جهانخواار آمریکا و روسیه و عمال داخلی آنها .  
زننده باد وحدت استقلال طلبانه اسلام مبارز ، ملی گرایی مترقی و سوسیالیسم انقلابی .

حزب رنجبران ایران ( بخش خراسان ) ۱۳۵۹/۳/۱۴

حاکمیت و تمامیت ارضی دیگران را بکنند اعتراض شدید خود را نسبت به هر شکل از دخالت و تسلط خارجی ابراز کرد و اضافه نمود که حق مسلم خلقها در انتخاب شکل سیاسی و اقتصادی حکومت مورد علاقه خود بدون هیچگونه فشاری و دخالت

## پرچم نه

ایران تشکیل جلسه داد تا به مسئله اشغال سوسیال فاشیستی کشور برادر افغانستان توسط ارتش متجاوز روسیه رسیدگی نماید .

کمیته ویژه رسیدگی به بحران افغانستان مرگ از مقامات نامبرده در یازدهمین کنفرانس کشورهای اسلامی در اسلام آباد ( ماه گذشته ) تشکیل گردید و از طرف کنفرانس ماموریت یافت تا همه کوشش خود را برای خروج نیروهای اشغالگران روسی از افغانستان و تحقق حق حاکمیت خلقهای افغانستان بر سرزمین خود به انجام برسانند .

به این ترتیب هفته گذشته تهران پرچمدار مبارزه " نه آمریکا ، نه روسیه " نه تنها در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه بلکه در صحنه دیپلماسی بین المللی بود . برگزاری

دیدار با امام خمینی - شرکت کنندگان در کنفرانس صبح روز ۱۴ خرداد بحضور رهبر انقلاب رسیدند و به سخنان ایشان گوش دادند - امام خمینی ضمن تشکر از شرکت نمایندگان در کنفرانس از مداخلات

این دو اجلاس ضد امپریالیسم آمریکا و ضد سوسیال امپریالیسم شوروی در تهران - بعد از کنفرانس اخیر کشورهای اسلامی - مهمترین رویداد سیاسی جهان سومی در منفرد کردن دوا بر قدرت بود .

برگزاری کنفرانس بین المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران نشان داد که چگونه یک سیاست فعال در صحنه بین المللی برای جلال اکثر نیروها و منفرد کردن آمریکا ، سیاست درست و موثری است چنین کنفرانسی میبایست زودتر و حتی قبل از قضیه گروگانگیری برگزار میشد . و امروز بیشتر آشکار میشود که انقلابیگری کاذب علیرغم هياهو زیاد در امر مبارزه علیه امپریالیسم آمریکانه تنها چیزی درجنته ندارد بلکه عملاً در زمینه های مختلف این مبارزه و از جمله در صحنه دیپلماسی جهانی اخلال میکند .  
نشست کمیته ویژه رسیدگی به

## فیضیه و

تظاهرات ، مردم در حالیکه عکس هایی از امام خمینی را در دست داشتند شعارهایی در تجلیل از ۱۵ خرداد و محکومیت دشمنان انقلاب میدادند . از جمله " نیمه خردا دامه " آغاز نهضت ماست - خمینی بست شکن امامت ماست " یا " گرامی گرامی بانزده خرداد باد - خمینی خمینی زنده و جاوید باد " و " آمریکا ، آمریکا سازش با تو محال است - این گفته رهبر ما امام است " در طول راهپیمایی ها پلاکاردها و پرچم های بسیاری حمل میشد که از جالبترین آنها پلاکاردهایی بود که مواضع خائنانه روسیه و حزب توده در سال ۴۲ نسبت به این جنبش مردمی توضیح داده شده بود . مردم با دیدن این پلاکاردها در حالی که از روی آن ها یادداشت بر میداشتند از حمل کنندگان آنها میخواستند تا آن ها را بالاتر گرفته و بدین ترتیب همه هرجه بیشتری به خیانتهای این دشمنان مردم پی ببرند .  
در ساعت ۱۱ صبح اکثریت عظیم راهپیمایان به جلو دانشگاه

طلب در این کنفرانس و بالتوجه عدم رضایت کامل آنها از برگزاری آن است .  
این کنفرانس با نطق موثری از جانب صادق قطب زاده و صدور بیانیهای که از تأیید شرکت کنندگان گذشت بکار خود پایان داد .

بحران افغانستان و حمایت کشورها و ملل جهان از موضع قاطع کشورهای اسلامی علیه تجاوز روسیه نشان داد که بر خلاف نظر مدارا جویان و تسلیم طلبان ، کشورهای جهان سوم باید در برابر تهاجم ابر قدرت نواخته و خطرناک روسیه قاطعانه بایستند و به فاشیستهای گرمیسن اجازه ندهند اهداف پلید خود را در جنگ افروزی و بزیور یوغ کشیدن ملل ستمدیده جهان به انجام برسانند .

و بالاخره رویدادهای هفته گذشته تهران نشان داد که کشورهای جهان سوم میتوانند و باید در برابر هردوا بر قدرت آمریکا و روسیه که دشمنان عمده خلقهای جهاناند ، مقاومت و مبارزه کنند و علیرغم هياهو بوج و مشکوک انقلابی نماها حتی در اوج مبارزه علیه آمریکا نیز نباید لحظه ای از توطئه ها و تهاجمات ضد بشری روسیه سوسیال فاشیست غافل بدانند .

خواستنه شده است که از تفرقه بهره یزنند و سیاست وحدت را در مجلس در نظر داشته باشند . در آخر آمده است : " ما به ملت ایران هشدار میدهیم تا دقیقاً اوضاع مملکت را در رابطه با جهانخوااران غرب و شرق و پایگاههای داخلی آنها زیر نظر داشته و خود توطئه ها را خفنی کنند " .

### رنجبر

از گان حزب رنجبران ایران  
صاحب امتیاز و سردبیر : فرامرز وزیری  
مدیر مسئول : علی حجت  
تفاتی : خیابان انقلاب جنب سینما رویال  
خیابان رامسر کوچه آراسته شماره ۱۲  
تفاتی پستی : تهران - صندوق پستی ۲۱۴-۱۳۰۹  
تلفن ۸۲۰۶۹۱  
چاپ نسر

اتحادیه گمونیستهای ایران در نشریه " حقیقت شماره ۲۲ " برخوردارده نظریات سازمان بیکار را آغاز کرده است . " حقیقت " بیکار را نمونه " انقلابیگری کاذب " و انحراف " نیمه تروتسکیستی " در جنبش کمونیستی دانسته و میگوید :

" مشخصه بیروان این نوع انقلابیگری عبارت است از درک غلط آمیز از جایگاه خود و عوامل مساعد بحال خود ، در نظر نگرفتن اوضاع در مجموع و مطلق کردن تضادهای درون خلق و بیش از دیگران ، که به سرعت میتوانند جای خود را به انواع نظریات فرصت طلبانه راست ، بد بینی مغرط نسبت به اوضاع و سطح حرکت توده ها و اعتقاد به قضا و قدر بدهد .

اتحادیه ضمن برخورد به برداشت انحرافی بیکار در مورد ضرورت اجتناب ناپذیر جنگ داخلی " نظر میدهد که : " این به معنای مرگ و نابودی هر انقلاب واقعی و هر مبارزه طبقاتی و ملی " واقعاً توده های بوده و در نتیجه تلاش برای باصطلاح " فرارویاندن مبارزه طبقاتی " از درون جنبش جنگی نیز چیزی جز ماجراجویی و بدتر ، آلت دست عاملان برانگیزنده ، این جنگ شدن نمیشاد " .

### ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید

کک های خود را  
به حساب بانکی زیر واریز نمائید :  
بانک ملی ایران  
شعبه خیابان ایرانشهر  
شماره حساب ۲۵۳۶۸

دربارن استعدادهایی که هنوز شکوفا نشده‌اند و هنوز از آنان حمایت نشده‌است، زیاده‌اند. در صنایع کشاورزی هستند کسانی که ابتکارات و خلاقیت والادارند و حاضرند در جهت قطع وابستگی درزمینه‌های صنعت و کشاورزی بهترین اجناس و حتی مرغوب‌ترین صنایع بیگانگان را به بازار عرضه کنند.

## در جهت قطع وابستگی و تأمین استقلال اقتصادی:

# از صنعتگران مبتکر و خلاق کشور

## حمایت کنیم

بی‌خاصیت بوروکراسی بازمانده از رژیم منقرض‌مردمی سابق نه تنها کمکی به این صنعتگران میهن پرست نکرده‌است بلکه کاری می‌کند که آنها رادلسرد کرده و استعداد آنها را خفه نماید.

شکی نیست که وابستگی‌های بی‌خارج باید قطع شود. استقلال اقتصادی کشور تأمین شود. و شعار "نه شرقی، نه غربی" در عمل پیاده بشود. ولی اینها فقط با حرف و شعار دادن تحقق نمی‌یابد. باید عمل کرد. باید به استعدادها و خلاقیتها و ابتکارات میدان داد تا خودرانشان بدهند و گل بکنند. باید صنعتگران میهن پرستی را که بصورت گمنام در گوشه و کنار کشور هستند پیداکرد. از آنها حمایت کرد. سرمایه‌لازم در اختیار آنها قرار داد. به طرحها و ساخته‌های آنها توجه کرد و موجبات معرفی و تشویق آنها را فراهم نمود. زمان شعار و حرف زدن به سر آمده است. وقت عمل است. دلسرد کردن صنعتگران میهن پرست و "ناجیز و بدرد نخور" شمردن طرحهای آنها و رفتارهای فاسد و بوروکرات مآبانه، با جامعه انقلابی ماناسازگار است. تأدیر نشده است باید با حمایت از صنعتگران مبتکر، با استعداد و خلاق، عملاً در جهت قطع وابستگی و تأمین استقلال اقتصادی کشور گام برداشت. فردا خیلی دیر خواهد بود!

خواهد شد وهم‌صدمهای به احیا کشاورزی زده‌ایم وهم در خط نجات از وابستگی کار مثبتی انجام نداده‌ایم.

"نادر" نمونه‌ای از دهیای و صدها صنعتگر مبتکر و خلاق ایرانی است که به خاطر عشق به میهن و در جهت قطع وابستگی به خارج و تأمین استقلال اقتصادی کشور، وسایل و لوازمی را که خود و با سرمایه‌های اندک و بدون هیچ گونه کمک و حمایتی... در داخل کشورتولید میکنند.

جز اینها هستند صنعتگران گمنام متعددی که در گوشه و کنار کشور بدون هیچگونه ادعا و تبلیغ، در جهت قطع وابستگی کشور کار میکنند و از هیچ‌گونه کمک و حمایتی هم‌از طرف دولت برخوردار نیستند. در بسیاری از موارد که نمونه آن را "نادر" تعریف کرده‌است- دستگاه بی‌بو و

می‌توانیم خیلی از وسایل کشاورزی را در اینجا تأمین کنیم بدون اینکه از خارج بیاوریم. چون من سرمایه ندارم و نمیتوانم جوابگوی احتیاجات باشم. بخاطر همین میخواهم در گروههای مختلف صنعتی شرکت کنم. اگر دولت اینکار را بکند من می‌توانم وسایلی را که تولید میکنم در

اختیار دولت هم بگذارم. یعنی دولت باید هم از طرحها حمایت کند وهم برای فروش آن اقدام نماید. زیر من یکبار به سازمان دانه‌های روغنی برای فروش "ردیف‌کار" رفتم و گفتم که حداقل یک ششم آنرا شما بپردازید که بتوانم تولید کنم. آنها نه تنها از کارم استقبال نکردند بلکه وسایلی را هم که ساخته بودم ناچیز و بدرد نخور ارزیابی کردند! در حالیکه

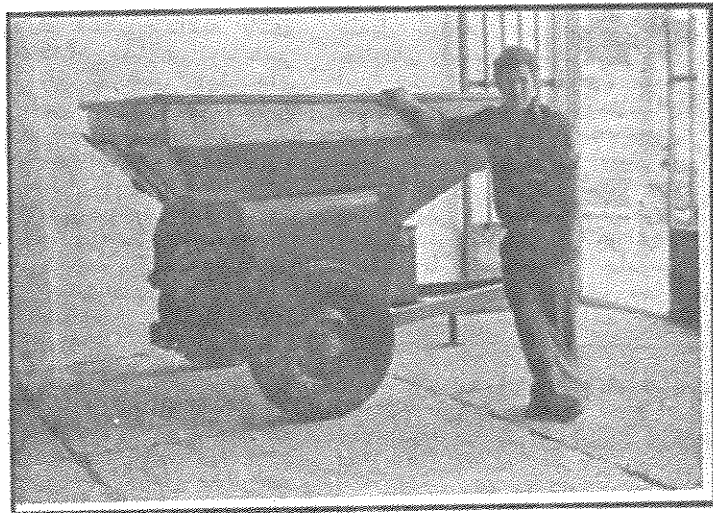
قیمت ۱۲ هزار تومان به بازار عرضه میدارد ولی تجارگران اجناس او را می‌خرند و بقیه‌ت مدل اصلی (خارجی) در بازار می‌فروشند. قیمت تریلی کمپرس که او می‌سازد ۱۲ هزار تومان است و اصلی آن ۲۵ تا ۳۵ هزار تومان است. زنجیر بذریاش ۱۵۰۰ تومان و خارجی آن ۴ هزار تومان در بازار ایران فروش می‌رود.

"نادر" از آنجائیکه با این دستگاهها آشنایی دارد بخاطر مرغوب‌تر شدن دستگاهها، بعضی از لوازم یدکی را به ابتکار خودش عوض کرده و جنس دیگری بکار برده که دستگاه بیشتر کار میکند. او در این مورد دلایلی هم دارد. جالب اینکه برای ساختن یک بذریاش فقط یک هفته وقت می‌گذارد و حتی در ماه میتواند ۵ دستگاه بذریاش بسازد.

ناقدان را بدانییم و استعدادها شکوفا شود از ده سالگی وارد این کار شد. تا بحال هر چه ساخته است با سرمایه ناچیز خودش و با زحمات شبانه‌روزی خودش بوده‌است. رژیم سابق بنا به ماهیتش کوچکترین کمکی به او نکرد. وسایلی را که او می‌ساخت تجار بزرگ از او می‌خریدند و بقیه قیمت گران می‌فروختند. حتی شنیده‌است که تولیداتش را در نمایشگاهی در کردستان نشان داده‌اند و از کلیه دستگاههایی که می‌سازد در سقز بانف گران- بندر ترکمن- استفاده میشود.

مدل کارهایی را که "نادر" می‌سازد مدلهای اسرائیلی و آمریکایی است که اصل آن در ایران به دو برابر قیمت فروخته میشود. بعنوان مثال "ردیف‌کار" اصل آن از خارج که می‌باید ۲۵ هزار تومان در بازار فروخته میشود ولی آنجا و می‌سازد با

مایکباردر "رنجبر" شماره ۲۰ (دهم مرداد ۵۸) در مورد یکی از کارگاههاییکه در بندر ترکمن وسایل کشاورزی را با دست خودشان می‌سازند گزارشی داشته‌ایم. در این شماره یکی دیگر از کارگران با استعداد میهن‌مان بنام "نادر فرشین" را که در گران در همین زمینه کارگاهی دارد معرفی می‌کنیم. او کلیه لوازم یدکی کشاورزی (از جمله کمباین) و دستگاههای مختلف کشاورزی مانند بذریاش- کود پاش- دیسک- ردیف‌کار- تریلی کمپرس - نحرکن... را می‌سازد. کلیه قطعات و لوازمی که روی این دستگاهها سوار میشوند را او خودش با دست خودش می‌سازد و جالب اینکه صنعت مادر که این لوازم را می‌سازد مانند قالبهای مختلف- دستگاه پرس... را هم خودش درست کرده‌است. "نادر" ۲۵ سال است که در این رشته کار میکند و اباحس اتکا به نیروی خود و اینکه باید با دست خود مان بسازیم



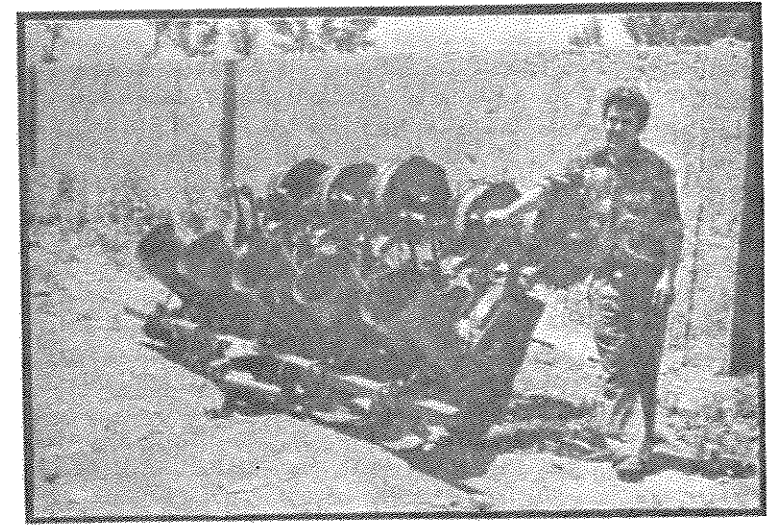
نادر فرشین صنعتگر گرگانی کلیه لوازم یدکی کشاورزی (از جمله کمباین) و دستگاههای مختلف کشاورزی را با دست خودش می‌سازد. حتی صنعت مادر- که این لوازم را می‌سازد- را هم خودش درست کرده‌است.

اگر دولت این کارگاهی را که دارم به عنوان یک طرح قبول کند و آنچه را که خرج کرده‌ام در اختیارم بگذارد و در زمینه پیاده کردن طرحها از من حمایت کند... می‌توانیم خیلی از وسایل کشاورزی را در اینجا تأمین کنیم بدون اینکه از خارج بیاوریم!

وسایل ما از خارجها مرغوب‌تر است... در کنار این مسئله احتیاج به جلب چند نفر برای اجرای این طرح میباشد که فرمانداری پیشنهاد کرده‌از دبیرخانه‌های بیگار استفاده کنید. از آنجائیکه من میتوانم این وسایل را تولید کنم و قدیمی در جهت قطع وابستگی برداریم اگر دولت حمایت نکند بعلت اینکه امکانات مالی ندارم در اینصورت نمیتوانم خوب تولید کنم وهم استعداد ما خفه

در مدت ۱۳ روز یک "ردیف‌کار" می‌سازد. اخیراً دولت در زمینه طرحهای مختلف صنعتی و کشاورزی وامهایی در اختیار افراد قرار میدهد، بهمین خاطر اومیگوید:

اگر دولت این کارگاهی که الان دارم، بعنوان یک طرح از من قبول کند و آنچه را که خرج کرده‌ام در اختیارم بگذارد و در زمینه پیاده کردن طرحها از من حمایت کند، ما



نادر میگوید: یکبار برای فروش "ردیف‌کار" به سازمان دانه‌های روغنی رفتم و گفتم حداقل یک ششم آن را شما بپردازید... آنها نه تنها از کارم استقبال نکردند و وسایلی را هم که ساخته بودم ناچیز و بدرد نخور ارزیابی کردند!!



# کارگران روز مزد فصلی زاهدان

## اگر اتحاد باشد کارگران به خواستهای خود میرسند

پس از درج مطالبی پیرامون وضع بدکار و زندگی کارگران فصلی زاهدان در "رنجبر" شماره ۵۲، نامه‌ای از جانب بیست تن از این کارگران دریافت داشتیم. این نامه را که در زیر میخوانید، نشانگر اهمیت اتحاد کارگران در مبارزه برای بدست آوردن حقوق خویش است.

این کارگران با مطالعه کتاب "هفتاد روز مبارزه کارگران قرقره زربین" و بیکار بستن رهنمودهای رنجبر موفق شده‌اند تا به بخشی از خواسته‌های خود دست یابند. این زحمتکشان باید بیش از این بیکدیگر نزدیک شده و در سطح همه کارگران روزمزد فصلی زاهدان دست به ایجاد تشکل مستقل و کارگری بزنند.

ماضن چاپ نامه این کارگران، برای همه آنها آرزوی موفقیت‌های بیشتری می‌نمائیم.

### بسم الله الرحمن الرحيم

نامه‌ای است از جانب یک تعداد کارگران، تقریباً ۲۰ نفر که در زاهدان زندگی میکنند و به حزب رنجبران می‌فرستند و اعضای این حزب را سلام میگویند.

مسئولین عزیز این حزب نظریه همکاری شما و روزنامه‌هایی که شما چاپ میکنید که همه مربوط به آگاهی‌های کارگران است خیلی ممنون هستیم. چراکه نظر به آگاهی دادن این روزنامه‌ها در همین هفته خیلی استفاده‌های خوب کرده‌ایم.

۱- چون ما در شرکت کار

مرگ بر سرمایه‌داران هر کشوری که برای جان مردم و کشتن آنها اسلحه می‌سازند. چرا، چرا، چرا اسلحه می‌سازند؟

آنها باید وسایل کشاورزی بسازند. باید برق، آب، جاده، بیمارستان، بسازند. و پارچه، روغن، ماشین مسافری، دارو و مدرسه بسازند تا مردم استفاده کنند.

از جانب ۲۰ نفر کارگر روزمزد ۵۹/۲/۳۰

# دولت باید به کارگران سراسر ایران که ستون فقرات انقلاب هستند توجه بیشتری بکند

قبیل برنج - روغن و شکر خبری نیست و در عرض خیزه‌هایی دیگر چون کمیوت و زلف و از این قبیل مایحتاج به فراوانی در آن یافت میشود که این خواسته هم مورد بی اعتنائی قرار گرفته است. و آخرین درخواست شورا، اعلام درصد تورم سالانه توسط بانک مرکزی بود که می‌بایست هر ساله اعلام گردد که اینهم از طرف

خبرنگار "رنجبر" در آبادان یک کارگر قدیمی قسمت حمل و نقل پالایشگاه آبادان مصاحبه‌ای بعمل آورده است که در زیر میخوانید.

این مصاحبه بروشنی بیانگر هشیاری کارگرانی است که علی-سه اخلاص در تولید و توطئه‌های دوا بر قدرت آمریکا و روسیه، مبارزه می‌کنند و با استواری تمام در مسیر

## چرا تا کنون دلایل دستگیری سه تن از اعضای شورای کل پالایشگاه را اعلام نکرده‌اند؟

نه شرقی، نه غربی " به پیش می‌نوازند. س: قسمت حمل و نقل پالایشگاه دارای چه تعدادی کارگر میباشد؟ ج: این قسمت دارای ۲۷۰۰ نفر کارگر است که شامل مکانیک - راننده و مشاغل مربوط به امور حمل و نقل میشود.

س: آیا این کارگران دارای تشکیلات کارگری هستند یا نه؟ ج: پس از انقلاب قسمت حمل و نقل مانند دیگر قسمت‌ها به تشکیلات کارگری پرداخت.

این شورا در تاریخ ۵۹/۲/۲۶ مجبوره استعفاي دسته‌جمعی گردید چونکه این شورا خواسته‌هایی در رابطه با وضعیت کارگران قسمت حمل و نقل و دیگر بخش‌های پالایشگاه عنوان کرد که مورد کم توجهی مسئولین قرار گرفت و همچنین در پیش برد کارهای آن کارشکنی‌هایی انجام شد که موجب گردید تا شورا بتواند بکار خود ادامه دهد و اعضای آن مجبور به استعفاء شدند.

س: شورا چه خواسته‌هایی را عنوان میکرد؟ ج: اولین خواسته شورا تشکیل شورای دستمزد بود که میبایست هر سه سال یکبار برای تحدید نظر در دستمزدها تشکیل شود و تاکنون هیچ اقدامی برای تشکیل این شورا صورت نگرفته است. دومین مسئله در مورد سالیانه کارگران بود که می‌بایست در اوایل فروردین هر سال پرداخت میشد و برای اینهم تاکنون اقدامی صورت نگرفته است. و سومین خواسته شورا سوسامان دادن به وضع تعاونی‌های شرکت بود که در آنها از مایحتاج اولیه زندگی یک کارگر از

## با توجه به شناختی که از روسیه داریم، همان رفتاری را با آن میکنیم که با آمریکا در حال حاضر کرده‌ایم

این سه نفر بدلیل مشاجره با معاون وزیر نفت دستگیر شده‌اند و در مورد دستگیری و اتهاماتشان هم تاکنون هیچ نوع توضیحی داده نشده است باید بیکنایه یا جرم آنها با ارائه دلایل هر چه زودتر ثابت شود. ما کارگران پالایشگاه همه مسلمان هستیم و پیرو خط راستین نه شرقی نه غربی امام می‌باشیم و با استعمار و استعمار دوا بر قدرت آمریکا و روسیه مخالف هستیم و معتقد هستیم که این اعمال بدون توضیح و ارائه دلایل، اخلاص در کار تولید و استقلال و در نهایت به سود دوا بر قدرت خواهد بود.

س: چند وقت است که در شرکت نفت شاغل هستید؟ ج: حدود ۳۴ سال است که در شرکت نفت مشغول بکار می‌باشم.

س: میزان دستمزد شما در حال حاضر چقدر است (و تعداد خانواده شما چند نفر می‌باشد). ج: پس از ۳۴ سال سابقه کار دستمزد روزانه من ۱۸۸ تومان میباشد که از این دستمزد مالیات بر درآمد، مالیات برق، هزینه تعمیر منزل، حق باشگاه (که هیچگونه استفاده‌ای از آن نمی‌کنیم) از آن

کسر میگردد. ۱۰۰ ریال هم پول سندیگاتی که وجود ندارد از حقوق کسر میشود و چون در شرکت نفت پرداخت حقوق هر ۱۴ روز یکبار صورت میگردد در مجموع ما در سال ۱۲ ماه مالیات پرداخت میکنیم. در ضمن ۷ نفر راحت تکفل داریم. در ضمن ارگانهای ملکتی دارید؟ ج: دولت باید به کارگران سراسر ایران که ستون فقرات انقلاب هستند توجه بیشتری بنماید تا این سد محکم بتواند در مقابل تجاوزات امپریالیسم شرق و غرب هر چه بیشتر مقاوم گردد و از طرفی انقلاب را منتظر داریم که دولت بنی صدر را حمایت کند و کسانی که چوب لای چرخ دولت می‌گذارند کنار بگذارد.

س: نظرتان در مورد روسیه و طرفدارانش از کارگران چیست؟ ج: تجربه سالهای پیش نشان داده که هیچ کشوری بما کمک

نهی کند و در حال حاضر روسیه به خاطر منافع خودش در کشورهای دیگر نیرو بیاده می‌کند و ما هم همان کار را خواهد کرد که ما مسلمانان افغانستان میکنیم. در گذشته هم روسیه در زمان مصدق با ما رفتار خوبی نکرد ما کارگران ایران با توجه به شناختی که از روسیه داریم همان رفتاری را با آن میکنیم که با آمریکا در حال حاضر کرده‌ایم.

# عیدی که هیچ! حتی حقوقمان را از دی ماه نداده‌اند

چند نفر از کارگران شرکت "اصغر زاده" پیمانکار وزارت آب و برق در صحبتی با خبرنگار رنجبر در شیراز مشکلات خود را چنین مطرح کردند. "چند ماه است که شرکت به کارگران حقوق نداده است. مسئولین شرکت میگویند که وزارت آب و برق بما پول نداده و خواسته است که ۱۵ نفر کارگر اضافی را اخراج کنیم، ما هم پولی نداریم بندها بدهیم. ما هیچگونه تأمینی نداریم، اگر کارگری توانایی کار را از دست بدهد چکار کند از حقوق بازنشستگی هم که خبری نیست. در عید پول نداشتیم برای خانواده‌مان چیزی بخریم. عیدی که هیچ! حتی از اول دیماه حقوقمان را ندادند. مشکل اصلی ما مسکن است. در هر ماه ۱۲۰۰ تومان بدون آب و برق اجاره میدهیم. حتی به دو اتاق ناقص هم راضی هستیم." کارگران شرکت "اصغر زاده" خواسته‌های خود را چنین بیان کردند:

- ۱- دریافت حق مسکن.
  - ۲- لباس کار ایمنی.
  - ۳- حق بازنشستگی.
  - ۴- ایجاد نهار خوری و یا خرید چند یخچال برای نگهداری نهار کارگران که از خانه می‌آورند.
- \* \* \*

## دعوت به همکاری

کارگران، دهقانان، رفق، و دوستان خواننده!

بخش کارگری - دهقانی زمانی منعکس کننده وضع زحمتکشان، خواستها و مبارزات آنان است که مطالب آن با شرکت فعال و پر شور خود شما تنظیم شود. برای ما گزارش و خبر از وضع محل، احتیاجات و مبارزات زحمتکشان شهر و ده و مصاحبه با آنها در زمینه مشکلاتشان بفرستید. از آداب و رسوم و ادبیات (شعر، داستان کوتاه، ضرب المثل، کاریکاتور) منطقه خود بنویسید و برایمان بفرستید تا بتوانیم با کمک شما مقالاتی زنده تر و پربارتر داشته باشیم.

این گزارشات زمانی موثر تر و گویا تر خواهند بود که با عکس همراه باشند. دست شما را مافشاریم و برایتان امید موفقیت داریم و منتظر نامه‌ها و انتقادها و نظرات شما هستیم.

# ابتدال معیار انقلابی به سبک «مجاهد»

نشریه «مجاهد» در روز شنبه ۱۰ خرداد ماه در قسمت دوم سری مقاله‌های «با جنبش‌های رهایی بخش جهان آشنا شویم» پس از یکسری مقدمه چینی، عرض از درج این مطالب را که توجیه یک تز فلابی است آشکار ساخته و چنین مینویسد: این جنبشها در سطح بین المللی و ایجاد رابطه‌ای مثبت و منفی با دیگر کشورها و احزاب و سازمان‌ها با آنان میتوانند به معیار سنجش برای سنجش میزان ترقی خواهی و انقلاب بدل شوند. مثلا جنبش فلسطین را در نظر بگیریم، از آنجا که ما این جریان را یک جریان انقلابی میدانیم، بنابراین هر کشوری با هر مقدار رابطه و نزدیکی که با این جنبش قرار داشته باشد، به همان اندازه انقلابی و مترقی است. البته برای هر کسی که از الفبای سیاست سر در آورده روشن است که منظور از «رابطه و نزدیکی» چیزی مگر کمکهای مادی و معنوی نیست و بنابراین بمصداق هر چه بیشتر پول بدهی آش میخوری، هر کشوری که بیشتر به نهضت فلسطین کمک کند بزعم «مجاهد» انقلابی تر و مترقی تر است. کسانیکه با نهضت‌های آزادیبخش جهان از نزدیک آشنایی داشته باشند مطلع اند که این معیار در نزد بعضی جناح‌ها ویا کل بعضی نهضت‌های موجود عین حقیقت است. براین کوه نظری نیز دلیلی دیگر مگر تنگ نظری ناسیونالیستی یا فرقه‌ای و گروهی نمیتوان آورد و در واقع هم دلیل دیگری وجود ندارد. در نتیجه اگر در مقام قضاوت در مورد این گونه نهضت‌ها برآئیم بدرستی میتوانیم آنها را ناسیونالیستهای تنگ نظر یا جریان‌های فرقه‌گرا بنامیم. نتیجه‌ای نیز که بر طبق تجربه تاریخ بر این نهضت‌ها مرتب است چیزی جز افتادن به مراب فرصت طلبی و سرانجام سر درآوردن از آبشخور انقیاد ملی نبوده است. تمام طول دوران امپریالیسم شاهد این مدعا است.

بین المللی و «حق حاکمیت محدود» کشورها و «منافع شوروی» در سراسر جهان برای سلطه گری و تقسیم جهان به مناطق نفوذ وارد عمل شد، این معیار سنجش نیز در بازار سیاستهای این الوقتی و کاسب منشی در معرض فروش قرار گرفت. خریداران این بنجل از میان همان تنگ نظرانی که در صفوف نهضت‌های رهایی بخش قرار داشتند چه بصورت طبقه، یا قشر ویا گروه پیدا شدند و این کالای خوش ظاهر نسبت بمذاق آنان خوش اوج رونق بازار این معیار دوره جنگهای رهایی بخش خلق ویتنام علیه امپریالیسم آمریکا بود. هنگامیکه دارودسته لهدوان در ویتنام شوروی را بخاطر «کمکهای نظامی و اقتصادی بعنوان عرش انقلاب و ترقی می‌ستودند، عمال ایرانی شوروی نیز تبلیغ موشکهای سام ۷ بمتابه میزان سنج انقلابی و مترقی بودن شوروی که حافظ منافع نهضت رهایی بخش ویتنام در برابر جنایت کاران آمریکایی است را به خورد افراد مستعد می‌دادند. این نسخه‌بویزه در آنجا که رویارویی با امپریالیسم آمریکا و عمالش بمسئله‌های حاد تبدیل گردید. در صورت قلت معیارهای راستین و کثرت معیارهای این چنینی که «مجاهد» عرضه میکند میتواند موثر افتاده و تلاشهای نزدیک شونده و رابطه گیرنده شوروی بعامل پذیرایی انقلابی بودن و مترقی بودن شوروی شود. چه بسا نزدیکی و رابطه‌ای که از طریق رضا سعادت «مجاهدین» از در انتهام ارتباط با دستگاههای جاسوسی شوروی قرار میدهد، بر همین مبنای فکری کمربادوری بنا شده باشد.

اما معیار «مجاهد» یک بام و دو هوا است.

«مجاهد» میگوید هر کشوری که فی‌المثل با جنبش فلسطین نزدیکی و ارتباط داشته باشد بمیزان درجه ارتباطش انقلابی و مترقی است. ما میدانیم که اتحاد شوروی با نهضت فلسطین نزدیک است و شاید عراق نباشد اگر گفته شود خیلی هم نزدیک است و در این نهضت سخنگویان رسمی مثل حواتمه و امثالهم دارد. پس بزعم معیار «مجاهد» شوروی خیلی انقلابی و مترقی است. اما پس ماجرای اریتره چه میشود؟ و قضیه درست در همین میشود؟ ماجرای اوگادن کجا می‌رود؟ ماجرای لشکرکشی‌های ویتنام به کامبوج که توسط شوروی تامین می‌گردد چه میشود؟ و بالاخره اشغال نظامی افغانستان توسط شوروی و مقاومت فهرومانانه مردم افغانستان جایش کجاست؟ در اینجاها شوروی بسیار نزدیک است و روابط زیادی هم دارد. البته میدانید بمتابه جلااد این ملتها، بمتابه کشوری کسه برای سلطه گری ازهیچ چیز فروگذار نمیکند وریختن ناپالم، قتل و عام دسته جمعی، بکاربردن سلاحهای شیمیایی بر سر مردم این نهضت‌ها گار عادی و روزمره شوروی، مستشاران و مزدوران نظامی کوبایی و ویتنامی‌اش است. خوب «مجاهد» اینرا چگونه میخواهد توجیه کند. این چگونه میبایستی است که وقتی در مورد مثلا فلسطین به کار می‌رود شوروی انقلابی و مترقی است ولی وقتی همان را برای نهضت‌های بسیار دیگر بکار

و انصارش امکان و شرط ارتقاء و تکامل را می‌دهد. امکان میدهد در آفریقا ارتقاء و تکامل یابند، در خاورمیانه عربی «ارتقاء» و تکامل یابند، در آسیای جنوب شرقی «ارتقاء» و تکامل یابند و در آمریکای لاتین نیز. چرا شوروی و اعوان و انصارش که سالها از جوانب مثبت اقدامات شاه ستایش میکردند، بعد از آنکه مطمئن شدند انقلاب اسلامی ایران پیروز میشود، تلاش کردند نزدیکی‌ها و روابطی با آن بوجود آورند. زیرا از این نهضت اسلامی ضد امپریالیستی بویژه ضد آمریکایی در صورت موفقیت می‌توانستند «ارتقاء» و تکامل یابند. و قضیه درست در همین جاست. تاریخ امپریالیسم نشان میدهد که در ست همانند رقابت سرمایه‌داران در بازار که در مقابل با هم اجناس را ارزان میکنند تا با جلب مشتریان جدید رقیب را از صحنه بدر کنند، امپریالیست‌ها نیز سعی میکنند به فرصت طلبان درون نهضت‌ها نزدیک شوند و روابطی بوجود آورند. کمک‌ها را ارزان میدهند که این ابوالوقتها را جلب کنند. این‌الوقت‌ها هم برای آنکه جنس ارزان به دست آورده باشند این آقایان امپریالیست‌های ارزان فروش را به القاب مترقی و انقلابی مفتخر میسازند. غافل از آنکه بعضی خروج رقیب گران فروش، اجناس بقیمت واقعی خود یعنی رفتن به زیر یوغ ارباب جدید خاتمه مییابد، میگوئید نه، به ویتنام بنگرید، به کوبا بنگرید، به یمن جنوبی بنگرید و بالاخره بهتر از همه به افغانستان بنگرید.

با معیار «مجاهد» آمریکا چگونه انقلابی می‌شود.

معیار «مجاهد» نه تنها مشاطه‌گری امپریالیسم شرق است بلکه حتی به مشاطه‌گری امپریالیسم غرب نیز کشانده میشود. چرا که با این معیار اگر آمریکا در مبارزه مردم اریتره علیه شوروی از آن «دفاع» کند، آمریکا به نسبت «دفاعش» انقلابی میشود (افغانستان و کامبوج که دیگر هیچ) - بنابراین مجاهدین دو راه بیشتر ندارند: - تخطئه جنبشهای آزادیبخش مثل اریتره و... - پذیرش آمریکا بعنوان یک

معیار «مجاهد» نه تنها مشاطه‌گری امپریالیسم شرق است بلکه حتی به مشاطه‌گری امپریالیسم غرب نیز کشانده میشود

با این معیار مرز دوست و دشمن مخدوش می‌گردد. دردهانش بگذارد بگر انقلاب اسلامی ایران و مسائلی که در طی تجربه این دوره پرچوش انقلابی بوجود آمده بما

## مصاحبه با

# گروه انقلابی خلقهای

## افغانستان

آخرین قسمت

### \* جنگ آزادی بخش مردم ما علیه سوسیال - امپریالیسم و ارتش تجاوزگران هر روز رو به تکامل است

سئوال: تحلیل شما از وضعیت جنگ و دورنمای جنگ چگونه است؟  
 جواب: جنگ آزادی بخش مردم ما بر علیه سوسیال امپریالیسم و ارتش تجاوزگران هر روز رو به تکامل است. این جنگ از عدم تشکل به نیمه تشکل از عدم هماهنگی به نیمه هماهنگی رسیده است و روز بروز به سوی تشکل و هماهنگی یکپارچه تکامل می‌یابد. روشن است این تکامل در جریان جنگ طولانی ملی ملت ما علیه متجاوزین صورت می‌گیرد، طی این جنگ طولانی ملی، توده‌های مردم ما یکپارچه و متشکل با رهبریت متمرکز به سوی ایجاد افغانستان مستقل به پیش خواهند رفت. ما نیز به سهم خود در راه تشکل یکپارچه و ایجاد رهبریت متمرکز وسیعا فعالیت می‌کنیم و برای جنگ طولانی تدارک می‌بینیم.  
 سئوال: میتوانست مختصری درباره جنبش کمونیستی افغانستان توضیح دهید؟  
 جواب: جنبش کمونیستی افغانستان که در مجموع عمر کمی دارد در تشکیلات و سازمان‌های مختلفی تقسیم گشته است. تشکلت سازمانی وایدنولوزیک هنوز در جنبش کمونیستی کشور ما موجود است. با آنکه اوضاع موجود جریان وحدت را بیشتر از هر زمانی سریعتر نموده و اختلافات و نا روشی‌های زیادی در جنبش کمونیستی ما وجود دارد. این اختلافات در قدم اول در رابطه با جنبش آزادی بخش کشور و در قدم دوم در رابطه با اوضاع جهانی متمرکز می‌گردد. «گروه انقلابی» ما همیشه بر روی وحدت، کار توده‌ای یا فشاری نموده است. به جز از یک عده محافل کوچک که مشکل می‌توان فرق ماهوی مواضع آنها را با مواضع پرچم و «خلق» در رابطه با جنبش اسلامی میهن ما پیدا کرد، بخش اعظم و سالم جنبش کمونیستی کشور ما که گروه انقلابی ما از آن زمره است ضرورت دفاع و پیوستن با جنبش آزادی بخش کشور ما را حیاتی می‌داند. کمونیست‌های واقعی افغانستان به درستی می‌دانند که ایجاد حزب طبقه کارگر افغانستان به عنوان یگانه ضامن پیروزی جنبش نجات بخش مردم ما و به مثابه وظیفه مرکزی مارکسیست لنینیست‌های واقعی، جدا از شرکت فعال و همه جانبه در جنگ کبیر میهنی ما نبوده، بلکه شرکت فعال در جنبش آزادی بخش کشور زمینه وحدت را هر چه بیشتر وسیعتر می‌سازد. از زمان آغاز جنبش آزادی بخش ضد

کمونیست‌های واقعی تا آخرین قطره خون در کنار مردم خود قرار داشته و برای استقلال میهن جانهای عزیز خود را فدا می‌نمایند.

روسی کمونیست‌های واقعی افغانستان که به مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائسه

دوره پرسیوس... صواب و معیارهای اصولی را ندادند که ناچاراً بخواهیم دست دوم معیار انقلابی و مترقی را بجوئیم و مثلاً جنبش فلسطین را محک قرار دهیم؟

آخر چرا "مجاهد" اینچنین معیاری را برگزیده که فلان یا بهمان کشور در عرض یکسال بنابه تشدید یا کاهش رابطه نزدیکی با نهضت فلسطین عیار انقلابی و مترقی بودنش بالا و پائین رود؟ مثلاً یک روز لیبی بر سر اختلافات با نهضت فلسطین نمایندگان آنها را از طرابلس بیرون کرده و بزعم تئوری محک "مجاهد" غیرانقلابی و مرتجع میشود و یکبار که بنابر مصالح سیاسی و ملاحظات دیپلماتیک رابطه مجدداً برقرار میشود و نمایندگان به طرابلس بر میگردند، لیبی انقلابی و مترقی، یا مثلاً بگفته "مجاهد" زمانی که ملک حسین سیتامبر سیاه را براه میاندازد، ارتجاعی است و زمانی که با فلسطینیها خوب میشود انقلابی و مترقی. بهمین روال ملک خالد که دلارهای نفتی میدهد و خلاصه هرزید و عمری که بهر دلیل و منطقی که جزو مصالح اوست با نهضت فلسطین نزدیکی و ارتباط برقرار کند.

این معیار سنجش از کجا آمده است؟

از زمانی که اتحاد شوروی امپریالیستی جهان زیر پرچم "تهاجم صلح" و "دیکتاتوری

این معیار "مجاهد" که پایمالش هرچه پول بدهی آش میخوری است بعزل صلت کاسب کارانه خود تفاوتی هم میان زبید و عمر قائل نیست. مثلاً برپایه این معیار مجاهد، پیر کهنه استعمار انگلستان که در نهضت مشروطیت ایران بحمایت مشروطه خواهان بلند شده بود، انقلابی و مترقی میشود. یا حمایت امپریالیسم نوحاسته آمریکا در آخرین سالهای قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم از نهضت رهایی بخش خلق فیلیپین در مقابل استعمارگران اسپانیا، وی را انقلابی و مترقی میسازد. یا باهمین معیار کشورهای امپریالیستی اروپا و ژاپن که با نهضت مقاومت فلسطین تا حدودی نزدیکی و ارتباط برقرار کرده اند تا حدودی انقلابی و مترقی میشوند. و خلاصه طوری میشود که باستثنای آمریکا بقیه کشورهای امپریالیستی دنیای باصطلاح آزاد کاملاً یا تا حدودی انقلابی و مترقی میشوند و سرانجام روزی هم که اگر مصالحهای انجام گیرد و دولتی فلسطینی بر پا شود و واشنگتن هم دست با ایجاد نزدیکیها و روابطی با این دولت بزند، آنوقت به زعم "مجاهد" آمریکا هم نسبتاً انقلابی و مترقی خواهد شد. هر کس میتواند مشاهده کند که چگونه این معیار سنجش حتی قادر است آمریکایی را هم که "مجاهد" اینقدر علیماش رجز میخواند انقلابی و مترقی کند و دیگر مرزی میان دوست و دشمن حائل نمیگردد.

یک کشور ده نیمیون در عین حال انقلابی و مترقی و جنایتکار و ضد انقلابی و مرتجع باشد. ماهیت شوروی را ما در افغانستان می بینیم. این سرشت واقعی آنست. در رابطه با فیلیپین و امثالهم آنچه را که در ظاهر می بینیم شوروی ماسکدار است که در آن سر بازار ارزان میفروشد که در این سر بازار سود کلان جیبش بزند و خریدارانی چون "مجاهد" را بسوی خود جلب کند تا بازاری را گرم کنند و بنجلهای سیاسی زوار در رفتهای را بخورد کسانی که هنوز حقیقت را در نیافته اند بدهد.

در پشت نزدیکیها و ارتباطات شوروی و امثالهم چه خوابیده است؟

خود "مجاهد" باین مسئله با نقل قولی از کاسترو در خطاب به ملت شیلی جواب میدهد: ما برای ارسال شگرهای کوبا به کشور شما نسبت به شما هیچ منتی نداریم، بلکه این شما هستید که به خاطر اینکه امکان و شرط ارتقاء و تکامل ما شدهاید، باید بر ما منت داشته باشید. (تاکید از نویسنده). بله قضیه همین است. اینگونه نزدیکیها و ارتباطات مانند آنچه شوروی و اعوان و انصارش نسبت به نهضتها بوجود میآورند بخاطر آنستکه "امکان و شرط ارتقاء و تکامل" آنها را بوجود می آورد. بله این نزدیکیها و ارتباطات همانگونه که آمریکا در فیلیپین و به انگلستان در ایران "امکان و شرط ارتقاء و تکامل" را داد، این روزها به شوروی و اعوان

میرپس... سبب... مجاهد یا این معیار نه تنها پیشان روی شوروی میلندد بلکه در مقابل تاکتیهای آمریکا هم خلع سلاحند.

تنها معیار انقلابی بودن کشورها در این برهه از زمان، نه شرقی نه غربی بودن آنهاست.

امروز سرنوشت کشورهای در گرو آنست که در درجه اول استقلال خود را بسوی ترقی و تعالی در پیش گیرند. هر کشوری که باین امر خدمت کند و بدرجهای که باین امر خدمت میکند، انقلابی و مترقی است. هر کشوری که در مقابل یکی بایستد و بدیگری تکیه کند به نسبت ضد انقلابی و مرتجع است. شاه جنایتکار باصطلاح ضد شوروی بود ولی چگونه؟ زیر یوغ نوکری آمریکا، یمن جنوبی و افغانستان ضد آمریکا هستند ولی چگونه؟ زیر یوغ نوکری شوروی. این انواع ارتجاع اند و روشن است که هر دو سرچشمه فساد، شرق و غرب اساس و ستون ضد انقلاب و ارتجاع اند. نزدیکی و ارتباط آنها با نهضت فلسطین و یا هر نهضتی دیگر آنها را انقلابی و مترقی نمیسازد، بلکه این نهضتها را در مخاطره قرار میدهد و چه خوب که همه نهضتها از انقلاب اسلامی ایران بیاموزند و نه شرقی و نه غربی گردند و چه خوب تر که از معیار سنجش "مجاهد" میرا و بدور باشند. زیرا هم خیر و هم صلاحشان در آن است.

بهرام ابومسلم ۱۲ خرداد ۵۹

سردون مسیح بودند... در راه آزادی میهن چندرسنگر گاهها و چندرسکنجهگاها در بیخ نگرند. عدو زیادی از اعضاء وهواداران قهرمان "گروه انقلابی" تاریخ جنبش کمونیستی افغانستان را با خون خودرتگین ساختند. کمونیستهای زیادی دیگری نیز که به مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائو تسه دون وفادار بودند و بیسه تشکیلات های دیگری ارتباط داشتند، قهرمانانه در کنار مردم خودجان سپردند. ضرورت میرم اوضاع کنونی ایجاب می کند که جنبه وسیع ضد تجاوز در دستور روز جنبش کمونیستی افغانستان قرار گیرد. جنبه های که وسیعترین نیروهای ممکن را با هدف استقلال افغانستان متحد گرداند. "گروه انقلابی" ما از آغاز سال گذشته با درک ضرورت میرم اوضاع کوشش خستگی ناپذیری درین راه بکار برد، و موفق شد در ایجاد "جنبه مبارزین مجاهد افغانستان" سهم موثری را ادا نماید. در اولین حرکت این جنبه که در ۱۴ اسفند ۱۳۵۸ شروع شد "گروه انقلابی" ما در چار چوب "جنبه مبارزین مجاهد افغانستان" در کنار برادران اسلامی خود قیام بالا حصار را آغاز کردند و به مردم خود نشان دادند که کمونیستهای واقعی تا آخرین قطره خون در کنار مردم خود قرار داشته و برای استقلال میهن جانهای عزیز خود را فدا می نمایند. مردم ما، بعد از قیام بالا حصار احترام عمیقی نسبت به کمونیستها و قهرمانی های آنها از خود ابراز کردند. ما معتقدیم در جریان یک مبارزه فعال ایدئولوژیک، بر روی یک مشی سیاسی روشن و دقیق منطبق با اوضاع انقلاب افغانستان و پیوند یافتن باتوده های مردم و شرکت در جنبش آزادی بخش کشور، وحدت اصولی ما - ل ها رادر جهت ایجاد حزب طبقه کارگر افغانستان می توان ممکن ساخت.

به نظر ما وحدت فشرده با تمام نیروهای استقلال خواه و ضد تجاوز و به طور عمده نیروهای اسلامی در یک جنبه بزرگ میهنی، عامل مهمی است که جنبش آزادی بخش ما را به موفقیت کامل می رساند.

سؤال: انتظارات و خواست شما از خلق ایران چیست و آیا پیامی به خلقهای ایران دارید؟

جواب: از آنجا که سرنوشت خلق ما با سرنوشت خلق ایران پیوند عمیق دارد و این پیوند مشخصاً امروز در برابر تجاوز روسیه به افغانستان و تجاوز فردای آن به ایران تجسم می یابد، بنابراین هنوز که ایران به مثابه پشت جنبه توده های افغانستان می تواند باشد، امیدواریم که خلق ایران آن موانع و مشکلاتی را که در رابطه جبهات ما و از طرف مسئولین دولت بوجود آمده با مبارزه خود بر طرف نماید. مثلاً چنانکه گفتیم به مبارزین ما اجازه ورود به ایران داده نمی شود و حتی آنها را دست بسته به دشمنان ما تحویل می دهند و یا اجازه انتقال کمک هائی را که از طرف کشورهای دیگر به ما می شود از راه ایران نمی دهند، بگذریم از اینکه دولت ایران خود اقدام به کمک برای مجاهدین ما نکرده است، این روش نا درست شدیداً به مبارزه مردم ما و به امر مقاومت خلقهای منطقه در مقابل دو ابر قدرت صدمه می زند و به ویژه تضعیف جنبش آزادی بخشی در کشور ما، زمینه تجاوز در ایران را از طرف شوروی فراهم می کند. دولت ایران که از یک طرف برای کلیه سازمانهای استقلال طلب، ملی و مسلمان ما اجازه فعالیت نمی دهد، از طرف دیگر اجازه داده که مزدوران روسیه یعنی حزب توده و نوجهای " فدایی " و " مجاهد " آن که بر خون شهیدان قهرمان خود مانند احمد - زاده ها و رضائی ها پا گذاشته اند به تبلیغات ردیلاتی علیه انقلاب کشور ما دست بزنند.

پیام ما به خلق قهرمان ایران این است، اگر خواهان حفظ و تحکیم جمهوری اسلامی ایران و استقلال کشور می باشد، باید به ملت افغانستان کمک برسانند، باید به خطر تجاوز نظامی روسیه در ایران فکر کنند و دسته های سیاسی وابسته به روسیه را آن طور که هست شناسند، آنها را منفرد نموده و به آنها مجال ندهند که ایران را به سرنوشت کشور ما دچار سازند.

خلق ایران باید خطر نیروهای مدارا جوی و مماشات گری را که می خواهند شر روسیه را با نزدیکی به روسیه و دشمنی با انقلاب ما " کم " کنند، دریابند. ما مطمئنیم که خلق قهرمان ایران که کمر امپریالیسم درنده آمریکا را در منطقه شکست بر تمام خطرات آگاهی خواهند یافت. و جمهوری اسلامی ایران را با محتوی ضد دو ابر قدرت در تحت رهبری امام خمینی و ریاست جمهوری آقای ابوالحسن بنی صدر که مورد پشتیبانی تمامی مردم ما و از آن جمله " گروه انقلابی " ما می باشد حفظ خواهند نمود. ما از کلیه نیروهای که در ایران از انقلاب ما پشتیبانی قاطع نموده و از آن جمله حزب رنجبران ایران صمیمانه تشکر نموده و آرزو مندیم این پشتیبانی قاطع از طرف دولت ایران نیز منعکس گردد. به امید پیروزی های مشترک خلقهای افغانستان و ایران.

# مبارزات خلق کرد عراق علیه رژیم بعث عراق

طبق اعلامیه شماره ۱۵ اتحادیه میهنی کردستان دفتر نظامی به تاریخ ۹ خرداد ۱۳۵۹ خلق کرد عراق مبارزات خود را علیه رژیم فاشیستی و شونینیستی عراق شدت بخشیده است. در زیر بخشهایی از اخبار نبردهای قهرمانانه پیشمرگان را از این اعلامیه نقل میکنیم:

نیروهای رژیم فاشیستی بغداد دهدهده " گلیسه - جمعی رفزان " واقع در استان سلیمانیه حمله کردند که به درگیری سختی بسا نیروهای پیشمرگان منطقه منجر شد، در این نبرد سخت یک جاش مزدور کشته ویکی دیگر زخمی شد. چهار تن از پیشمرگان در این درگیری به نام های آزاد عمر و زیاد محمد و کاظم محمد امین وقادر رسول شهید شدند.

بیست و چهارم اردیبهشت - نیروهای رژیم فاشیستی بغداد به دهدهده " نیله لا " واقع در استان اربیل حمله کردند که به درگیری سختی با پیشمرگان شاخه " حاجی قهلا " منطقه ۸ منجر شد، در این نبرد سخت ۷۵ سرباز کشته شدند و ۵۰ نفر دیگر زخمی شدند که بین آنها یک سرهنگ و یک افسر خلیان و یک افسر پیاده و ۱۲ نفر جاش میباشند و شناخته شده اند. از بین کشته شدگان محمد خلیل و قاسم آغا و تحسین که از سران جاشهای مزدور بودند، یک هلیکوپتر دشمن توسط پیشمرگان قهرمان سقوط کرد و ۳

اسلحه کلاشینکف و یک طیانچه را به غنیمت میگیرند.

سوم خردادماه - نیروهای رژیم فاشیستی بغداد به دهدهده " وهردوین " و " امامه محمد " واقع در استان سلیمانیه حمله کردند که به درگیری سختی با گروهی از پیشمرگان شاخه ۱ منطقه ۵ و شاخه ۷ اتحادیه میهنی کردستان " قه ره داغ " منجر شد. در این نبرد سخت ۲۵ سرباز کشته شدند که لاشه ۷ تن از آنها در میدان جنگ باقی ماند، ۳ مسلسل آری بی جی و ۴ اسلحه کلاشینکف و یک دوربین و ۳۴ ذخیره کلاشینکف را به غنیمت گرفتند و یک اتومبیل جیبس ارتشی نیز منهدم شد.

پنجم خردادماه - یک پیشمرکه

شاخه ۲ منطقه ۵۲ در دهدهده " ده رکه زمین " بازیان واقع در استان سلیمانیه به کمین دشمن افتاد که منجر به درگیری سختی شد. در این نبرد سخت پیشمرگ قهرمان توانست راه نجات پیدا کند و یک سرباز بنام " خیری کاظم " بکشد و یک سرگروهبان بنام طاروق را زخمی کند. گروهی از پیشمرگان شاخه " حاجی قهلا " منطقه ۸ توانستند یکی از رهبران حزب فاشیستی حاکم عراق در تشکیلات سلیمانیه بنام " ولید عادل محمد " را به گروگان بگیرند وی اکنون تحت نظارت پیشمرگان است. نامبرده یکی از اعضاء حزب بعث عراق است که جنایات زیادی علیه رزمندگان خلقی ما انجام داده است.





# اوگادن: مبارزه‌ای سرسختانه علیه سلطه امپریالیسم روس

اوگادن سرزمینی است به مساحت ۲۰۳ هزار و دویست کیلومتر مربع که محل سکونت یک ملیت سومالیایی است. این منطقه که بخشی از خاک اتیوپی محسوب می‌شود مدتی است که صحنه شدیدترین زدو خورد‌ها و قتل و کشتار است.



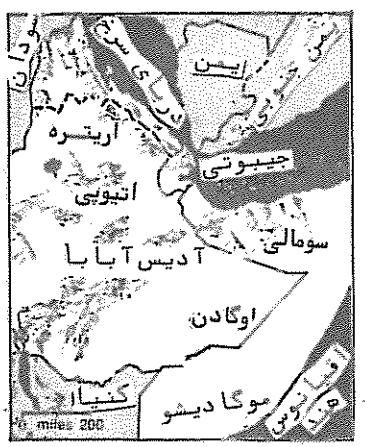
جریان از این قرار است که مردم اوگادن نیز مانند سایر اقلیت های ملی در اتیوپی تحت تسلط شدید میباشند و ساکنین این ناحیه از مدت ها قبل برای کسب حقوق ملی خود دست به مبارزه زده اند. در سال ۱۳۵۶ دولت سومالی جهت کمک به جبهه آزادیبخش سومالی غربی که رهبری مبارزه را در اوگادن بدست دارد و همچنین جهت نفوذ خود در این منطقه به اوگادن نیروی نظامی اعزام داشت. امپریالیست تسلطه بدوران رسیده روس که در این موقع با نفوذ در داخل دولت اتیوپی در پی بر سر کار آمدن منگیستو و پشتیبانی

## آزادی سرگرد ماتوس از زندانهای کاسترو یک پیروزی مهم برای میهن پرستان کوبایی

اخیرا سرگرد هوبرماتوس که یکی از برجسته ترین مبارزان کوبایی در دوران انقلابی علیه رژیم دیکتاتوری باتیستا بشمار میرود، پس از ۲۰ سال، از زندانهای رژیم کاسترو آزاد شد.

سرگرد ماتوس بخاطر نقش بسیار مهمی که در انقلاب ۱۹۵۹ کوبا ایفا کرد، پس از انقلاب به مسست فرماندهی ایالت کاماگوئه تعیین شد. وی با سیاست کاسترو در قدرت دادن به "حزب سوسیالیست توده‌های" که طرفدار شوروی بوده و کمترین نقشی در جنگ انقلابی کوبا نداشت مخالفت ورزید، و همین مخالفت وی موجب شد که کاسترو او را مرتد و خائن بشمارد و به بیست سال زندان با اعمال شاقه محکوم کند.

براند. اما چریک‌های "جبهه آزادیبخش سومالی غربی" مجددا نیروهای خود را جمع و جور میکنند و به نیروهای اتیوپی - کوبایی که ساکنین را مجبور به ترک محل خود کرده جایگزین اتیوپی ها میکنند حمله ور شده ضربه وارد میسازند. خبرنگاران مستقل خارجی که اخیرا از این ناحیه دیدن کرده‌اند چگونگی متفق التولند که نیروهای سرکوبگر اتیوپی تنها در مراکز پر جمعیت و شهر ها استقرار دارند. بیشتر دهات و مناطق روستایی در تصرف وزیر نظر جنگجویان جبهه آزادیبخش سومالی غربی است. رهبران این جبهه به خبرنگاران گفته‌اند که نیروهای آنها حتی قادرند تا نزدیکی شهرها دست به مانور و نقل و انتقال بزنند. عده‌ای از خبرنگاران به نقل از چریک‌های این جبهه گفته‌اند که جنگجویان آنها حتی به ستونهای مهمات رسانی ارتش اتیوپی که توسط تانک‌های روسی "تی-۵۵" و "تی-۶۲" اسکورت میشوند دائما شیبخون می‌زنند. بگفته همین جنگجویان در هفته‌های اخیر پنج بار نیروهای آنها به جاده‌ای که شهر "جیجیگا" را به شهر "هارار" متصل میکند حمله کرده‌اند. در یکی از این حملات چریکها با سلاحهای "آر-بی-۷" و مسلسل در روز روشن یکی از این ستونها حمله کردند و دو تانک ارتش اتیوپی و ۵ کامیون را از بین بردند. این مطلب را یکی از جنگجویان بنام عبدی احمد که ۲۱ سال داشت و یکی از دستهایش در



این جنگ زخمی شده بود اظهار داشت. نبردهای اخیر بخشی از تهاجم بهاره جبهه آزادیبخش سومالی غربی بر علیه ارتش اتیوپی و مزدوران کوبایی است. بدنبال این تهاجم ارتش اتیوپی و هم بیمانش نیز دست به حملات و بمبارانهای هوایی شدید زده‌اند. حملات هوایی و بمبارانهای تلافی جویان ارتش اتیوپی با اوگادن و سومالی منجر به آواره اوبی خانمان شدن هزاران نفر از ساکنین این منطقه شده است. نفوذ و دخالت مختلف جهان که در روسی در مناطق مختلف جهان که در خدمت سیاست توسعه طلبی و سلطه طلبی اش میباشد منجر به سیل مهاجرین، آوارهگان و بی‌بناهنده گان شده است.

# رویدادهای اقتصادی

## از گندم کاران داخلی حمایت کنید!

میهن ما اعمال میشد. آیا پس از انقلاب هم باید این سیاست ضد مردمی و ضد ملی رژیم منفور سابق دنبال بشود؟ معلوم نیست که مسئولین امر چرا فراموش می‌کنند که در این مملکت یک انقلاب صورت گرفته است و این انقلاب را توده‌های میلیونی انجام داده‌اند. همان زحمتکشانی که به علت اعمال سیاستهای ضد مردمی و ضد ملی رژیم سابق در زیر فشار ظلم و تعدی و اجحاف بوده‌اند. و اتفاقاً برای پایان دادن به همین ظلم و تعدی ها و نابود کردن همین سیاستهای مملکت برپا ده بوده است که بیا خاسته‌اند! دهقانان میهن ما وقتی که می‌بینند دولت منتخب آنها محصولشان را به قیمت ارزان می‌خرد و در همان زمان، محصول خارجی را به ۲ برابر قیمت محصول داخلی و حتی بیشتر، وارد میکند، طبیعی است که اعتماد خود را نسبت به این دولت از دست بدهند، کشت و کار کشاورزی را رها کنند... و یا از تولید مواد غذایی و احتیاجات ضروری دست کشیده و به کشت محصولات تزئینی و غیر ضروری روی آورند. نظیر توت فرنگی و از این قبیل. در اینجا این سؤال پیش می‌آید که چرا کسانی در وزارت کشاورزی وجود دارند. نه تنها به فکر سرو سامان دادن به وضع نا بسامان کشاورزی تهیه برنامه های انقلابی و تشویق دهقانان زحمتکش میهن ما در جهت نامین خود گذاشتن و استقلال کشاورزی کشور نیستند، بلکه بعکس با اعمال سیاستهای استقلال بر باد ده و تهیه طرحهای ضد مردمی و ضد ملی سعی می‌کنند که وابستگی ما را به خارج همچنان حفظ کنند و حتی آنرا مستحکم تر هم نمایند؟! و اینکه چگونه ۱۶ ماه پس از انقلاب، این افراد توانسته‌اند همچنان در ارگانهای مهم مملکتی باقی بمانند و از بی‌ابتکاری و عدم آگاهی مسئولین امر بهره برداری نمایند و طرحهای خود را به مرحله اجرا در آورند و از این طریق در راه پیشرفت امور و سرو سامان یافتن اقتصاد کشور اختلال کنند؟ طبیعی است که این عده، نمایندگان سرمایه‌داری بوروکرات وابسته هستند که با سرمایه‌داری وابسته اشتراک منافع دارند و در زمان موجودیت رژیم وابسته سابق، در جهت از بین بردن تولیدات داخلی و وابسته کردن هرچه بیشتر کشور به امپریالیستها عمل کرده‌اند. با وقوع انقلاب ضد امپریالیستی و استقرار دولت ملی، این عده بعلت عدم هیئاری حاکمین جدید و عدم پاکسازی نهادهای بوروکراتیک دولتی این امکان را یافته‌اند که سیاستها و برنامه های ضد ملی سابق را ادامه دهند. مسلماً گسترش تولید ملی و بی نیاز شدن کشور از واردات این قبیل کالاها مستقیماً به منافع اقتصادی این قشر که نفعشان را وابستگی هر چه بیشتر تشکیل میدهد ضربه خواهد زد و بهمین دلیل است که آنها به هر وسیله‌ای، از جمله تعیین نرخ ارزان برای گندم داخلی سعی دارند جلوی رشد تولید ملی را گرفته و دولت را مجبور به گسترش واردات نمایند. چرا که بدون این امر یعنی گسترش وابستگی جایی برای آنها نخواهد ماند.

در هر حال، به اعتقاد ما نرخی که سازمان مرکزی تعاون روستائی برای خرید گندم از گندمکاران داخلی تعیین نموده‌است، با توجه به تورم وحشتناک موجود و گرانی روز افزون مایحتاج زندگی، نرخی نیست که کشاورزان را به ادامه کار و افزایش تولید تشویق کند. این نرخ همان نرخی است که قبلاً اعلام شده بود و با توجه به تورم موجود و با این آمدن ارزش پول میتوان گفت که نه تنها قیمت دولتی خرید گندم افزایش نیافته بلکه کاهش هم یافته است. به اعتقاد ما این نرخ باید عوض شود. باید گندم داخلی را به قیمت بیشتری از تولید کنندگان داخلی خریداری نمایند. از این طریق زندگی و رفاه زحمتکشان روستائی تامین خواهد شد و در نتیجه به

## بیانیه مشترک کمونیستهای دومینیک و آمریکا

در پی دعوت "کمیته تدارک ایجاد حزب کارگران دومینیک" یک هیئت نمایندگی از طرف سازمان اتحاد مبارزه انقلابی آمریکا، به جمهوری دومینیک سفر کرد. در طی این سفر گفتگوهای صمیمانه و رفیقانه‌ای در مورد اوضاع بین المللی و جنبشهای کارگری در امریکا و جمهوری دومینیک انجام شد و یک بیانیه مشترک انتشار یافت. لازم به توضیح است "کمیته تدارک ایجاد حزب کارگران دومینیک" سال گذشته از وجود دو

نصب پوسته‌های دیواری و مخالفت با رفتن به آفریقا در زندان ها بسر می‌برند. در جواب به سؤال خبرنگاران در مورد اهداف آینده خود، ماتوس گفت که هدف اصلی وی کمک به رهایی سایر زندانیان کوبایی و شرکت در مبارزه بزرگ جهت بیرون راندن روسها از کوبا میباشد.

ماتوس یک مبارز برجسته مردم کوبا است. او در تمام دورانی که در زندان بود به اهداف انقلابی و میهن پرستانه خود وفادار ماند. وی بر این موضع است که در مبارزه جهت پایان بخشیدن به سلطه امپریالیسم شوروی حاض به ضدتقدیر محسوب

در مورد سرانجام انقلاب کوبا ماتوس گفت که پیروزی یک انقلاب را با دستاوردهای آن انقلاب میسنجند لکن پس از گذشت بیست سال، کارگران کوبا از هیچ حقوقی برخوردار نبوده و زحمتکشان کوبایی در شرایط بسیار بد زندگی بسر می‌برند. ماتوس اشاره کرد که تنها دو

اعمال تنافه محوم هستند. آزادی ماتوس یک پیروزی مهم برای کلیه کوبانیانی که خواهان رهایی کشورشان از زیر سلطه امپریالیسم شوروی هستند بشمار میرود. ماتوس پس از آزادی از زندان طی یک مصاحبه مطبوعاتی فیدل

## اخبار کوتاه بین المللی

◆ بیانیه مشترکی که از سوی کشورهای آمریکا و عمان روز جمعه انتشار یافت، حاکی از این است که آمریکا پس از یک سلسله کوششهای چندماهه اخیر خود قادر شده است دسترسی خود را به امکانات هوایی و بندری کشور عمان افزایش دهد و تعداد مستشاران خود را در عمان به دو برابر برساند. متعاقب اشغال نظامی افغانستان توسط روسیه، آمریکا درصدد گسترش پایگاههای نظامی خود در منطقه افتاد و پس از چندماه مذاکره و اعزام هیئت‌های نظامی و سیاسی چند کشور عربی و آفریقایی موفق شد در عمان پایگاه مستحکمی برای خود ایجاد نماید.

ماتوس اشاره کرد که تنها دو عامل مانع سقوط حکومت کاسترو شده است، یکی کمک های روسی و دیگری اعمال اختناق و سرکوب. کلیه کسانی که با دستگاه مخالف میوززند به زندان افکنده میشوند و هم اکنون کوبانیان بسیاری بخاطر

◆ موج اعتصاب و تظاهرات سراسر آفریقای جنوبی (آزانیای)، راضیاً گرفته است و دولت نژادپرست پرتوریا رادروضع وخیم و بحرانی قرار داده است. در یکی از ایالاتی که در آفریقای جنوبی مخزنهای ذخیره نفت توسط جریرکا منفجر گردید. دو روز پس از انفجار در پایگاه چهار هزار و پانصد نفر از کارگران سیاه پوست یک معدن طلا در غرب ژوهانسبورگ دست به اعتصاب زدند و زود خورد شدیدی بین کارگران و پلیس فاشیت انتظامی در گرفت. موج اعتصاب به دبیرستانهای آفریقای جنوبی نیز گسترش یافته است و دولت پرتوریا مدارس را تعطیل اعلام نموده و هزاران دانشجو را از دبیرستانها اخراج نموده است. هزاران نفر دیروز در تجمیع جنازه دو جوان سفیدپوست که توسط پلیس آفریقای جنوبی کشته شده بودند جمع شده و شعارهایی علیه دولت نژادپرست پرتوریا میدادند.

جریان عده مائستی، لیونیستی، بنام "باندراپولتاریا" و "لیناروزا" ایجاد شده است و این کمیته با موفقیت تمام بسوی اعلام موجودیت حزب متحد کارگران دومینیک در اواسط سال جاری پیش میبرد. برخی از تشکیل دهندگان این کمیته تعدادی کادریهای انقلابی هستند که بهنگام تهاجم تفنگداران امپریالیسم آمریکا در سال ۱۹۴۳ به جمهوری دومینیک در امر بسوی خلق برای مقابله مسلحانه با این تجاوز نقش بسزایی داشتند. این دو سازمان در بیانیه مشترک خود اعلام نمودند که مداخله نظامی شوروی در افغانستان، خطر توسعه طلبی شوروی را افزونی داده است. رقابت شوروی و آمریکا برای نفوذ و غلبه بر جهان باعث میشود که تضاد های طبقاتی را شدیدتر کرده و در نتیجه عوامل بروز جنگ جهانی سوم را سرعت رشت دهد. بر این اساس دوسازمان معتقد هستند که مردم جمهوری دومینیک و آمریکا باید به مبارزات خود برای ایجاد جامعه جهانی علیه دوا بر قدرت شدت بچسبند. زیرا این دوا بر قدرت هستند که در مقابل کسب استقلال، حاکمیت ملی آزادی، دموکراسی و پیشرفت سوسیالیسم سد عظیمی ایجاد کرده اند. دوسازمان با تاکید بر روی صحت تئوری سه جهان معتقدند که روسیه شوروی مهم ترین عامل بوجود آورنده جنگ جهانی و خطر علیه صلح جهانی است.

ادامه کار و افزایش تولید تشویق میشوند. که این امر نهایتاً به قطع وابستگی های ما به خارج از نظر مواد غذایی و تامین خودکفایی و استقلال اقتصادی کشور منجر خواهد شد. و هم سودی را که تاکنون بیگانگان می بردند عاید خودمان خواهد شد. طبیعی است که با افزایش تولید و عرضه زیاد گندم به بازار میتوان انتظار داشت که در درازمدت قیمت نیز به علت افزایش عرضه کاهش بیاید و در این رابطه منافع مصرف کنندگان نیز تامین گردد. حزب رنجبران ایران، مدافع قاطع زحمتکشان کشور بر این اعتقاد است که سیاستهای ضد مردمی و ضد ملی و استقلال بر باد ده رژیم وابسته سابق باید همراه با لاشه گندیده آن رژیم در زباله دانی تاریخ دفن شود و سیاستها و دستورالعمل های انقلابی در خدمت استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و بخصوص رفاه زحمتکشان و در خور این مرحله انقلاب کشور، جایگزین آن گردد.

## بسیاری از نیازهای فنی ایران از هند تامین خواهد شد

یک هیئت بازرگانی ایرانی به ریاست رضا صدر وزیر بازرگانی برای انجام یک دوره مذاکرات اقتصادی و بازرگانی و عقد یک سلسله معاهدات در زمینه همکاریهای فنی و انتقال تکنولوژی تا چند روز دیگر به هند خواهد رفت. پس از تحریم اقتصادی آمریکا و لنگ ماندن بسیاری از نیازهای صنعتی و فنی ایران که معمولاً از غرب تامین میشد، مقامات ایرانی شروع به یافتن بازارهای جدید برای خرید مایحتاج خود کرده اند. در این میان، جهان سوم تنها در تامین نیازهای کشاورزی و غذایی ایران نقش بازی میکند و متأسفانه در زمینه صنعتی و انتقال تکنولوژی هنوز امکانات جهان سوم بخوبی ارزیابی نشده است و از همین روست که برخی از دولتی ها فکر میکنند اگر غرب سخت گرفت باید رو کرد به شرق و مشتری روسیه شد. در حالیکه کشورهای در جهان هستند که میتوانند در چند زمینه جوایگی نیازهای صنعتی و تکنولوژیکی ما باشند. این مسئله بخصوص در زمینه تکنولوژی کشاورزی بیشتر قابل توجه است. با وجود اینکه تعداد این کشورها از انگلستان دست تجاوز نمیکند، اما ایجاد رابطه بر اساس تامین منافع متقابل با کشورهای جهان سوم بیشتر امکان پذیر است تا با امپریالیستها و مخصوصاً دوا بر قدرت.

هند یک کشور جهان سومی است. هند دهمین کشور صنعتی جهان است. با وجود اینکه روسیه در اقتصاد این کشور نفوذ زیادی دارد اما استقلال ورشد صنعتی هند را در کمتر کشور جهان سومی میتوان سراغ گرفت. گسترش روابط اقتصادی میان ایران و کشورهای جهان سوم، گامی است در جهت تحکیم پیوندهای مشترک جهان سومی ها علیه امپریالیسم، سلطه طلبی و سرکرده گرای دوا بر قدرت. دولت ایران باید امر گسترش روابط بازرگانی، فنی و اقتصادی با جهان سوم را جدی گرفته و در اس برنامه های سیاست خارجی خود در زمینه مناسبات اقتصادی با جهان خارج قرار دهد.

بسیاری از کشورهای جهان سوم و از جمله هند محتاج نفت اند. هزینه واردات نفت هند در سال گذشته به ۸/۲ میلیارد دلار رسید. در سال ۱۹۷۹-۸۰ کسری موازنه تجارت خارجی هند ۲۴/۶ درصد نسبت به سال ماقبل آن افزایش یافت. یعنی افزایش واردات به صادرات هند در این سال به رقم بیسابقه ۲/۷۹ میلیارد دلار رسید. بگفته مقامات دولتی هند افزایش هزینه واردات نفت نقش بسیار مهمی در افزایش کسری موازنه تجاری این کشور داشته است.

ایران میتواند با تامین نیازهای نفتی این کشورها بطور مستقیم و بدون دخالت واسطه های بین المللی (تاجران) به تخفیف بحرانهای اقتصادی و در نتیجه تضعیف سیاستهای وابستگی ساز در این کشورها یاری رسانده و در جهت گسترش روابط جهان سومی ها بر اساس تامین منافع متقابل گام بردارد. در عین حال هند دهمین کشور صنعتی جهان است. این کشور بخصوص در زمینه تکنولوژی کشاورزی و کود شیمیایی میتواند به بسیاری از نیازهای ایران پاسخ دهد. انجام چنین معاملاتی علاوه بر اینکه ایران را از امکانات فنی مناسب برای تقویت اقتصاد ملی خود و کاهش وابستگی به امپریالیستها و بخصوص به دوا بر قدرت برخوردار میکند، به رونق اقتصاد ملی در هند نیز کمک کرده و در نتیجه فضا را برای انحصارات غارتگر بین المللی چه از نوع غربی و چه در شکل شرقی تنگ تر خواهد کرد. این امر پایه های اقتصادی نفی سلطه ابر قدرت ها را در جهان سوم محکم تر خواهد نمود.

## رنجبر و خوانندگان

### نشریه خلق را تجدید چاپ کنید

سردبیر محترم نشریه رنجبر

پس از سلام و درود فراوان بر همه رنجبران ایران. اینجانب چندین بار بدفتر رنجبر در آبادان مراجعه کرده ام که خلق شماره ۲ را برای فروش تهیه کنم ولی مسئول دفتر اظهار می داشت که خلق ۲ نایاب شده و چندین بار هم تقاضا کرده اند ولی مرکز نفرستاده است. بنا بر این تصمیم گرفتم "خلق" هایی را که قبلاً به دوستان خود فروخته بودم بخرم که جمعاً ۱۰ شماره شد و دوباره آنها را به عده های دیگر

روزنامه رنجبر توصیه میکنم که وقتی که اخلا در کار هست باید برگوشی و تلاش خود بیاورایم و خودمان کارها را انجام بدهیم. با تقدیم احترام ر. خ

## اخلا در توزیع روزنامه «رنجبر»

روزنامه استقلال طلب رنجبر:

درود بی پایان این خواننده حقیر را بپذیرید. امیدوارم هر روز و ساعت در راه تلاش و کوشش قاطع خود برای ایرانی مستقل و منگی بخود پیروز و گامروا باشید و اما اصل مطلب: امروز یک شماره از روزنامه رنجبر را که با سختی از زیر روزی نامهای از جلوی ساط روزنامه فروش محترمی بیرون کشیده بودم ملاحظه کردم که یک ورق است ولی حس کنجکاری من برانگیخته شده بود و نگاهی به شماره صفحات آن انداختم و چشم به صفحه شش روزنامه افتاد فهمیدم که باید یک برگ داخل آن باشد. روزنامه ای را که برداشته بودم سر جایش گذاشتم و با دقت شماره دیگری را میخواستم در پیابوم که متوجه شدم آنهم یک برگی است خلاصه تمام روزنامه ها را بازبینی کردم و دریافتم که همه آنها ورق وسط را ندارند. بسراغ روزنامه فروش که آن دست پیاده رو از فرط گرما و خستگی به سایه پناه برده بود رفتم و به او گفتم که روز نامه رنجبر چنین است ایشان در

جواب گفتند بله من خود میدانم گویا یک نفر و یا چند نفر دیگری هم به بلای من گرفتار شده بودند. از روزنامه فروش علت را پرسیدم در جواب من با آن لجه قشنگ آذربایجانی گفت که راستش ما هیچ گونه تقصیری نداریم اینطوری شما تحویل می دهند. دوباره سؤال کردم راستی چرا به شما اینطوری تحویل میدهند؟ در پاسخ گفت: "والا اینهم که روزنامه خوبی است در کارش اخلا میکنند".

نا گفته نماند که این روزنامه فروش محترم سباطش را روبروی دیوار شرقی جاسوخانه آمریکا تلاقسی مبارزان و طالبانی بهن کرده است. سؤال آخریم از روزنامه فروش این بود که با توجه باینکه اخلا میکنند چه باید کرد؟ او در جواب گفت: با دفتر رنجبر تماس بگیرید و بگوئید که خودشان صفحات را در داخل روزنامه قرار دهند چون اداره توزیع این کار را نمیکند. آرزاه حلی که این روزنامه فروش عزیزم آذربایجانی پیشنهاد کرده بود بی اندازه خوشحال شدم و این پیشنهاد را به گردانندگان وزین

# گزارشی از خزانه

## غذا، مسکن و بهداشت مهمترین مسائل مردم

### پایین شهر است

در حالیکه مردم خزانه کمبود درمانگاه دارند دولت میخواهد بیمارستان خزانه را خراب و دوباره بسازد. در این میان تکلیف بودجه ۱۰ میلیون تومانی احداث بیمارستان زیاد روشن نیست.

کند این مشکل مانع از زیادی حل میشود.

### بیمارستان خزانه

باز سازی کنند. هزینه آنهم گویا ۱۰ میلیون تومان است که بودجهش هم تامین شده. آخر چرا میخواهند اینجا را خراب کنند و دوباره باز سازی کنند. خوب اینجا را تبدیل به آسایشگاه کنند که خیلی هم ضروری است و این ۱۰ میلیون را خرج ساختمان یک بیمارستان جدید در همین منطقه بکنند.

یک کمک بهیار که از کار خود ناراضی بود میگفت: "برجی ۲۰۰۰ تومان بمن میدهند، آخر این پول به کجای من میرسد، آیا خودشان میتوانند با این پول زندگی کنند، من با دیلم مکانیکی دارم کمک بهیاری می‌کنم".

مدیر عامل بیمارستان، دکتر زند نیز توضیحاتی پیرامون مسائل موجود به خبرنگار رنجبر داد: "گرفتناری های وزارت بهداشتی باعث

نگهداری آنها نیستند. آنها میگویند بیمارستانها و درمانگاههای مجهز شمال شهر را دولت باید به جنوب تهران انتقال دهد. بیماران ما گاهی حتی هزینه کرایه ماشین



شده که ما سعی کنیم تا مشکلات بیمارستان را خودمان حل کنیم. وزارت بهداشتی آنقدر تشریفات را زیاد کرده که به بائین کمتر توجه می‌شود و دیگر با گرفتناری های روزمره کاری ندارند. مثلا ما گوشت

رفتن به بیمارستانهای بالای شهر را نیز ندارند که بپردازند. ناراضی های این بیمارستان در زمینه خدمات نظیر مشکل تهیه مواد غذایی، وسایل درمانی چون گاز اکسیژن و

برای آشناساختن خواننده به نیازهای درمانی این منطقه و امکانات موجود گزارشی، که توسط خبرنگار رنجبر از بیمارستان خزانه تهیه شده در زیر می‌آوریم.

"اول آب حوض کش بودم ولی الان دربان یک کارخانه هستم، حقوقم روزی ۲۵ تومان است و ۶ سر عائله‌هستم ۷ سال است که نفس تنگی گرفته‌ام و تا پرونده در بیمارستانها دارم. حالا هم مدتی است در بیمارستان خزانه بستری شده‌ام. با وجودیکه امام اینهمه گفته‌است که باین طبقه ۳ و مستضعفین رسیدگی کنید من میدانم چرا مقامات بالا کاری نمیکند. ما زرشانقا ضا داریم که این حرفها را بدون سانسور بکش کنید. نه فقط برای من - امثال من بسایرند."

منطقه خزانه یکی از محله‌های پر جمعیت جنوب شهر تهران است. ساکنین رنج‌دیده آن که از زحمتکش ترین و شریفترین مردم تهرانند همچون بقیه اهالی جنوب ساکنان سال در زیر بار سنگین محرومیتها و فقر برای ادامه زندگی شرافت مندانه خود بسختی تلاش کرده‌اند و اکثرا در صفوف مقدم جبهه مبارزه و مقاومت علیه بیدادگرهای رژیم خائن پهلوی جنگیده، شهید داده و مقاومت کرده‌اند. اما اینک پس از گذشت بیش از یکسال از انقلاب هیچگونه تغییری در شرایط بهداشتی درمانی و رفاهی آنان روی نداده. خزانه در جنوب تهران بزرگ، پشت خیابان شوش و شرق راه آهن در منطقه‌ای نسبتا وسیع قرار گرفته و جمعیت انبوهی در آن ساکنند. این محدوده از نظر طبیعی بسیار ناهموار است بطوریکه اختلاف سطح قطعات مختلف مناطق مسکونی آن گاه به ۶ متر میرسد و در بعضی قسمتها در اثر رفت و آمدهای زیاد مردم بلکان طبیعی این قطعات را بهم ارتباط میدهد. به منطقه پشت بیمارستان خزانه که میرسی خانه‌های گلی و آجری کوچکی را می‌بینی که در بالا و پائین این تکه زمینها بردیف و بدست خود مردم ساخته شده‌اند. فضای داخل خانه‌ها بسیار تنگ و محدود است و غالب آنها یا حیاط ندارند و یا اگر دارند مساحتشان به بیش از ۱۰ متر نمیرسد. در هر یک از این خانه‌ها ۱ تا ۱۲ نفر جا گرفته‌اند و بیشتر آنها یا اجاره نشین‌اند و یا اطاقی را با جاره به مستاجر داده‌اند. کرایه هراتاقی در حدود ۵۰۰ تومان است و خانواده‌ای که دو اتاق را اجاره کند بناچار حدود یک سوم تا نصف درآمد خود را بابت کرایه می‌پردازد. فضای کم و جمعیت زیاد خانه باعث شده‌است تا زنها غالبا برای انجام کارهای خانه از فضای کوچک و خیابان استفاده کنند و به همین دلیل وقتی که

# مجلس:

## اعتراض یا چماق ارباب؟

و بررسی به کمیسیون تحقیق اراضی میگردد. آنهم بگونه‌ای که اعتراض کننده فقط کفایت که دست اعتراض بلند نموده و بگوید که "اعتراض دارم". یعنی در جلسه علنی هیچگونه دلیل بر اعتراض نمایندگان ارائه نمیشود. بعبارت دیگر اتخاذ چنین شیوه‌ای در تأیید و یا رد اعتبارنامه‌ها جو بسیار نامطلوبی در مجلس ایجاد میکند و از طرف دیگر با آئین نامه تعیین شده از طرف شورای انقلاب نیز مغایرت دارد. زیرا باید اعتراض‌کننده در جلسه علنی اقامه دلیل نموده و صحت و یا نادرستی اعتراض در جمع حاضرین روشن شود. و گرنه یک جو ملو از ابهام و سردرگمی بر مجلس حاکم شده و عمل اعتراض که حق طبیعی هر نماینده است تبدیل به یک چماق ارباب و وحشت برای زدوبندهای پارلمانتاریستی می‌گردد.

بنظر ما مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی باید ملو از شور و شوق وحدت طلبانه و سمبلی از یکپارچگی مردم ما بر علیه دوا بر قدرت و توطئه‌های آنها باشد و بعنوان سدی در مقابل مشکلات جامعه ایستاده و در جهت ادامه انقلاب عمل نماید. بنابراین شیوه عمل برای تصویب اعتبارنامه‌ها در جلسه علنی امروز (شنبه) با قانون اساسی تدوین شده مغایرت داشته و جو سالم مجلس را مسموم نموده و از مسیر اهداف و وظایف انقلابی مجلس منحرف مینماید.

در جلسه علنی مجلس روز شنبه ۱۷ خردادماه که با اکثریت نمایندگان تشکیل شد اعتبار نامه‌های انتخاباتی اعضا ۸ شعبه از شعب ۱۰ گانه قرائت گردید و اعتبارنامه‌های ۱۱۶ نماینده از ۱۳۵ نماینده این شعب بتصویب مجلس رسید.

طبق خبر خبرنگار رنجبر اعتبارنامه ۶ نماینده با اکثریت آراء شعب رد شده اعلام گردید و بررسی اعتبارنامه‌های ۱۳ نفر دیگر از نمایندگان به قید اعتراض و یا با قید نقص تحقیق مجدداً به کمیسیون مجلس ارائه گردیده است. از طرف دیگر بررسی اعتبارنامه ۴ نفر از نمایندگان شعبه ۲ که آقای احمد سلامتیان نماینده مردم اصفهان نیز شامل آنها میباشد، فعلاً بلا تکلیف مانده است.

چگونگی تصویب اعتبارنامه‌ها: چگونگی بررسی و اعلام اعتبارنامه‌های نمایندگان بدین گونه است که اعتبارنامه‌ها در هر شعبه به تحقیق و بررسی گذارده شده و هر شعبه با اکثریت آراء اعتبار نامه‌ها را رد و یا تأیید و یا با داشتن نقص تحقیق به کمیسیون مجلس اراسته میدهد.

برطبق موازین عملی مجلس در این جلسه علنی، اعتبارنامه هر نماینده با توجه بر اینکه به تأیید اکثریت اعضا هر شعبه رسیده است در صورت اعتراض حتی یک نماینده حاضر در جلسه اعتبارنامه به تصویب مجلس نرسیده و برای ادامه تحقیق

عصر روز چهارشنبه ۱۴ خرداد عده‌ای مسلح خسرو قشقائی نماینده اقلید فارس را به بهانه بردن به جلسه فوری مجلس، ربودند و او را مذبوب و مجروح نیز کرده‌اند. همچنین منزل خواهر خسرو قشقائی که محل اقامت او نیز بود مورد حمله قرار گرفت. نکته قابل توجه اینست که این اقدامات از جانب هیچ مقام اجرائی

# باز هم خود کامگی

بابت اظهار نگرانی نموده و تلاش بسیاری برای آزادی خسرو قشقائی کرده‌اند. همچنین شخصیت‌های مختلفی مانند آیت الله پسندیده و داریوش فروهر در این جهت اقدام نموده‌اند. در این جریان تنها اظهاری که شده اینست که دستگیری خسرو قشقائی طبق اسناد موجود در سیاه پاسداران و بنا به حکم فرمانده سابق سپاه انجام گرفته است.

استفاده کنند و به همین دلیل وقتیکه وارد این منطقه میشوی بسیاری از زنه‌ارامیبینی که کنار منزل و در گوجه‌ها نشسته و با انجام کارهای خود مشغول اند، بچه‌ها نیز که تعدادشان فراوان است بدون هیچگونه امکانات بازی و سرگرمی دسته دسته در گوجه‌ها و خیابانهای خاکی سرگرم بازی هستند. در انتهای بعضی گوجه‌ها و خیابانهای شمالی نوبال دستی روی زمین بر دیف جیده شده‌اند و نوجوانان و بعضی جوانها بدور آنها جمع شده و به بازی مشغول اند. از بهداشت در منطقه خبری نیست. جویهای آب لوده و زمینیهای پرزباله سالهاست مردم را به انواع بیماریها مبتلا کرده و محدودیتهای درمانی نظیر کمبود درمانگاه، بیمارستان و داروودفترجه های بیمه نیز هرگونه تسهیلی در امر درمان را از بین برده‌است. ساختمان نیمه کاره یک درمانگاه کوچک در زمینی در اطراف این منطقه مدتهاست بجا مانده و مردم از مراجعه به مسئولین امور درخواست تکمیل آن به تنگ آمده‌اند. مردم میگویند تا بحال کسی به وضع ما نرسیده است و ما امیدواریم دولت هر چه زودتر مسایل خود را حل کند و بوضع ما رسیدگی کند.

### در خزانه اتوبوس نیست و غذا کم است

یکی دیگر از کمبودهای اهالی مساله ایاب و ذهاب عمومی است. تنها خط اتوبوسی که این منطقه را به داخل شهر متصل میکند خط خزانه به پارک شهر است و مردم برای رفتن به شوش و راه آهن مجبور میشوند تا بپرداخت حداقل ۲۰ ریال گزایه از ماشینهای شخصی استفاده کنند. تامین و توزیع مواد غذایی مهم مانند گوشت، برنج، روغن، و غیره که مدتهاست بعنوان یکی از مسایل روز مردم در سطح کشور همچنان باقی مانده، در این منطقه بطرز محسوسی دیده میشود. یکی از جوانان محل و فروشنده یک مغازه مغالی در گفتگو با خبرنگار رنجبر چگونگی تهیه و توزیع این مواد را در بخشی از این منطقه چنین توصیف کردند: ما به اکثر مردم کارت سهمیه داده‌ام اما از نظر مواد خیلی کمبود داریم. برنج مدتی است که به مانده‌اند، گوشت را مردم باید از فروشگاهها و قصابیهای دورتر تهیه کنند. بودر رختشویی هم اصلا پیدا نمیشود. روغن را ما هر ۴۲ روز ۲ کیلوونیم بهر خانواده میدهیم. البته بعضی خانواده‌ها ۱۴ نفرند و بعضی هاکثر تخم مرغ هم هر ۱۵ روز یکبار بمقدار یک کیلوونیم بهر خانواده داری کارت میدهیم. جوان کارمند پیشنهاد میداد که اگر دولت چند فروشگاه بزرگ تعاونی برای تامین مواد غذایی محل ایجاد

مجموع تختهای موجود در جنوب شهر با جمعیتی در حدود ۲ میلیون نفر (که پر حادثه‌ترین، آلوده‌ترین و مستعدترین منطقه تهران برای ابتلا به انواع بیماریهاست) به ۱۵۰۰ عدد نمیرسد در حالیکه ۸۰ درصد تعداد تختها، مجهزترین و بهترین بیمارستانها و مراکز درمانی در شمال تهران قرار دارد. یکی از معدود بیمارستانهای جنوب شهر بیمارستان دولتی خزانه واقع در فلکه دوم خیابان خزانه است. این بیمارستان حدود ۲۵۰ تخت دارد و از ۶ بخش تشکیل شده‌است. تارساتیهای متعدد در زمینه‌های ساختمان، درمان و بهداشت سبب شده که اخیرا وزارت بهداشت بودجهای مبلغ ۱۰ میلیون تومان را بمنظور بازسازی بیمارستان از تصویب شورای انقلاب بگذارد ولی کارمندان و پرسنل درمانی بیمارستان عقیده دارند که بجای بازسازی بیمارستان رایبه آسایشگاهی برای زحمتکشان از کارافتاده و بیمار تبدیل

### کارکنان بیمارستان خزانه میگویند که دولت بهتر است بیمارستان جدید را در جای دیگری بسازد و این محل راه آسایشگاه تبدیل کند.

کنند و ۱۰ میلیون تومان را خرج بیمارستان جدیدی در جوار همین ساختمان بسازند. بیماران بیشمار که باین بیمارستان مراجعه میکنند همگی از کارگران، زحمتکشان و خانواده‌های آنها هستند و غالب آنها مبتلا بامراض داخلی و عفونی کهنه‌ای میباشد. که در نتیجه کار توانفرسای طولانی و در محیطهای غیر بهداشتی و غیر ایمنی وعدم درمان ب موقع یا اصلا معالجه پذیر نیستند و با سختی و در مدت طولانی درمان میشوند. از اینرو بیمارستان خزانه عملا مبتلا به آسایشگاه تعداد معدودی از زحمتکشان جنوب شهر شده و بیماران حادثه دیده و قابل علاج منطقه نیز قادر به استفاده محدود از امکانات آن نیستند. اغلب بیماران توسط خانواده‌های خود در جلوی درب بیمارستان رها میشوند و مسئولین بیمارستان مجبور میشوند هر طور شده آنها را بستری کنند. تعداد قابل توجهی از کادرهای درمانی این مرکز بوضع استفاده از تخصص خود صرفا به ترشح ساختن بیماریهای مشغول اند که ماهها و بلکه سالهاست تعدادی از تختها را اشغال کرده‌اند. پرسنل بیهار و پرستار این بیمارستان میگویند مردم این منطقه نه تنها به بیمارستان و مراکز درمانی بسیار بیشتری احتیاج دارند بلکه آسایشگاه نیز میخواهند زیرا خانواده‌های بیماران قادر به

روزمه قاری ندارند. مثلا تا گوشت میخواهیم و گوشت هم پیدا نمیشود. نمیتوانیم به مریض بگوئیم که گرسنه بمان تا جایی را در تهران پیدا کنیم که گوشت داشته باشد و مطابق نرخ روز هم بفرشود و فاکتور هم بدهد. ولی آن آقایان که آنجا هستند اینرا قبول نمیکنند. مساله دیگر این است که کار در این منطقه جنوب تهران شاق است و مالی مزایای کارمندان اینجا همان مزایای است که در مرکز و یا در شمال تهران بکارمندان داده میشود. لذا عده زیادی از کارمندان و پزشکان سعی میکنند خودشان را بکشند به بالای شهر و افرادی که اینجا میمانند کسانی هستند که سالیانه اینجا هستند و خواستشان کار و خدمت در این منطقه است. ما و کارکنان اینجا توقع داریم که وزارتخانه جدا یک فکری بحال جنوب تهران بکند.

### راه حل مسایل جنوب شهر بسیج مردم است

بیش از یکسال ونیم از پیروزی انقلاب میگذرد ولی هنوز چهره جنوب شهر را گرد و غبار گرفته‌ و هنوز کوچه‌های پایین شهر کثیف و زندگی در خانه‌های تنگ ادامه دارد. دولت هیچ کاری برای مردم این منطقه نگرفته‌است. اما مردم جنوب شهر هنوز به سختی به انقلاب، به امام و به رئیس جمهور اعتقاد دارند. مردم از دولت انتظار دارند که پاسخگوی مسائلمان باشد. اما انکار دولت به این زودی‌ها خیال رسیدگی به پایین شهر را ندارد. چند باری هم که دولتی‌ها از عمران و آبادی جنوب شهر صحبت کرده‌اند تماما از راههای اداری و بودجه‌های قانونی و دولتی گفته‌اند. در حالیکه ما معتقدیم و بارها هم در رنجبر نوشته‌ایم که مسایل مردم در اساس باید بدست خود مردم حل شود. این مردمی که با دست خالی رژیم تا دندان مسلح شاه را سرنگون کردند، اگر بسیج شوند و اگر هدایت شوند آیا نمیتوانند محله‌شان را تمیز کنند، توزیع ارزاق را بهبود گیرند، درمانگاه بسازند، کتابخانه درست کنند و...؟ ما ایمان داریم که مردم میتوانند حتی بسیاری کارهای بزرگتر و دشوار تر از این انجام دهند، اما اگر دولت جمهوری اسلامی بوظایف ملی و مردمیش بی اعتنا باشد و دیر عمل کند و اگر نخواهد از شور انقلابی مردم بنبغ مسرود بهره برداری کند مسلما مردم دنبال راه حل دیگری خواهند گشت.

و رسمی مملکتی انجام نگرفته و یا تأکید نشده است و اصولا "مسئولین نیروهای انتظامی، کمیته‌ها و دادستان کل انقلاب نیز از آن اظهار بی اطلاعی کرده و یا علیه آن سخن گفته‌اند. طبق خبر جرایم مقامات جمهوری اسلامی و حتی شخص ریاست جمهوری و امام خمینی نیز از این

### در حاشیه کنفرانس

نموده است. این امر بسیار مثبتی است که نمایندگان جمهوری اسلامی ایران تربیین مجامع بین‌المللی و حتی کنفرانس بین المللی کار را به بلندگویی ضد امپریالیستی خلق ایران تبدیل میسازند. کارگران و زحمتکشان ایران نمیتوانند از این موضع ضد امپریالیستی خوشنود نگردند. لکن در سوی دیگر، زحمتکشان میدانند که بدون رعایت عدالت اجتماعی برای زحمتکشان و تأمین رفاه مادی آنها، مبارزه علیه دوا بر قدرت نمیتواند به صورت واقعی و موثر انجام گیرد. در دست در این رابطه است که کارگران به وزارت کار به شدت انتقاد و اعتراض دارند. البته شک نیست که تغییرات مثبت به سود کارگران صورت گرفته، لکن این تغییرات به هیچ وجه جنبه اساسی نداشته‌اند. وزارت کار، پس از انقلاب، بعد از وقفه کوتاهی، مجددا بصورت حجاج سرمایه‌داران و حافظ منافع کار

### برای انجام

بلکه تعداد آنها افزوده، مسائل را بفرنجتر کرده و در اصل به تضعیف انقلاب اسلامی و مبارزه ضد امپریالیستی منجر میشود. در شرایط کنونی که خط عده مبارزه ضد امپریالیستی، گسستن هر گونه پیوند وابستگی به امپریالیسم، کسب استقلال اقتصادی، بالا بردن رشد تولید در کشاورزی و صنعت و تاءمین رفاه خلق و... است مساحتی به کادرهای متخصص، مهندسان، پزشکان و... داریم که با شرکت فعال آنها در کارهای تسولیسندی و استفاده از تجربه و تخصصشان، مبارزه در جهت کسب خودکفایی و استقلال را بهتر میتوانیم ببریم. بسته شدن دانشگاهها زمینه تربیت چنین کادرهایی را از بین میبرد. البته ناگفته نماند که دروسی

سین سپه انجام گرفته است، ماجرای ریودن خسرو قشقائی، صرفنظر از عقاید سیاسی وی، نمونه دیگری است از بی‌قانونی ناشی از وجود مراکز خودکامه قدرت. باید و نظام قانونی توسط دولت منتخب مردم اجرا گردد.

فرمایان نقش بازی کرده است. بی اعتنائی به حقوق زحمتکشان، باز گذاردن دست سرمایه‌داران برای سیروزی کارگران باتوسل به قوانین موجود نظیر ماده ۳۳ و دهها مورد مهم دیگر، از جمله موارد ستی است که زیر چتر حمایت وزارت کار، بر علیه کارگران به کار گرفته میشود. ادعای وزیر کار در کنفرانس نیز مبنی بر سه برابر کردن دستمزد کارگران، در شرایطی که گرانی ارزاق عمومی و تورم بیاد میکند و بسیاری از خانواده‌های کارگران زحمتکشان در بیفوله‌ها زندگی کرده و از فقر و عدم بهداشت مینالند، ادعایی بیوج بیش نیست. کارگران قادر نیستند با وعده حقوق روزانه ۶۳۵ ریال که خود نیز ناگافی است زندگی خانواده خویش را به درستی تأمین نمایند. اینها و دهها مسائل دیگر رفاهی و معیشتی، مسایلی است که زحمتکشان ایرانی در شرایط کنونی از آنها رنج میبرند. وزیر کار و مسئولین مملکتی زمانی میتوانند ادعای مبارزه واقعی و موثر علیه دو ابر قدرت داشته باشند که بطرز جدی به این مسائل پاسخ گویند.

که در دانشگاهها تدریس میشود در بعضی رشته‌ها نمیتوانند تخصصی بیار بیارند که بتوانند تمام امکانات بهره بگیرند و نیازهای کشور را در زمینه‌های مختلف پاسخ گویند ولی این امر نمیتواند توجیه کننده توقف کامل کار باشد. برای از بین بردن این کمبودها و مشکلات دانشگاهها لازم است برنامه‌هایی تنظیم شود که اساس تدوین چنین برنامه‌هایی شرکت فعال استادان و دانشجویان است و این امر بوقتی امکان پذیر است کسه دانشگاهها باز باشند تا آنها بتوانند به بحث و تبادل نظر در مورد مسائل علمی و سیاسی بپردازند و با تدوین برنامه‌ها در سطح دانشگاهها و وزارت علوم و سیاستها و خطوط نادرست و انحرافی کارها را بهتر به پیش ببرند و مبارزه ضد امپریالیستی را توان بیشتری بخشیده و به سطح بالاتری ارتقاء دهند.